

## سیر زندگی فقهی - فرهنگی ملا احمد نراقی

### حسین حکیم

#### بخش اول: ولادت و زندگانی علمی ملا احمد

ملا احمد فرزند ملا مهدی، مشهور به «فاضل نراقی» چهاردهم جمادی الآخر ۱۱۸۵ قمری مطابق ۱۱۵۰ شمسی و ۱۷۷۱ میلادی در عصر کریم خان زند در نراق<sup>۱</sup> از روستاهای تابعه کاشان متولد شد.<sup>۲</sup>

۱. نراق یکی از قصبات قدیمی مرکزی از بخش دلیجان در شهرستان محلات است که در ۱۵ هزار متری شرق دلیجان در ناحیه کوهستانی سردسیری واقع شده است (لغت نامه دهخدا، ج ۱۳، ص ۱۹۸۰۸ و ج ۲۰ ص ۴۱۹ - طبق نقل ریحانة الادب، ج ۶، ص ۱۶۰، نراق در ده فرسخی کاشان می باشد).

۲. در مورد تاریخ تولد و نام پدر ملا احمد دو قول در کتب تاریخی و شرح زندگانی علما و فقها مطرح شده است:

الف) عده‌ای از اندیشمندان و مورخان مشهور، در کتب متعددی سال و تاریخ تولد ایشان را ۱۱۸۵ هجری قمری مطابق ۱۱۵۰ هجری شمسی دانسته‌اند.

ب) اندکی از مورخان و علمای تاریخ‌نویس هم، تاریخ تولد وی را ۱۱۸۶ قمری نگاشته‌اند. با استقرایی که انجام گرفت، تاریخ تولد ایشان در ۱۱۸۵ قمری صحیح و مشهور است. با این حال برای رفع تردید، ما هر دو گروه از علما و فقها را با کتب مربوط که تاریخ تولد ایشان را ثبت کرده‌اند، در ذیل می آوریم:

الف) دانشمندان و علمایی که تاریخ تولد ایشان را در کتب خود ۱۱۸۵ قمری ثبت نموده‌اند:

- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، ج ۱، ص ۱۱۶۵؛ نراقی، احمد، مستند الشیعه، مقدمه، ج ۱، ص ۱۵ - ۱۴؛ کاشانی، ملا حبیب الله، لباب الالقباب، ص ۹۶؛ علی لو، نورالدین، سید بحر العلوم، ص ۶۸؛ عقیقی بخشایش، فقهای نامدار شیعه، ص ۲۲۶؛ معلم حبیب‌آبادی، مکارم الآثار، ج ۴، ص ۱۲۳۶؛ نراقی، احمد، معراج السعاده، ص ۱۱۶؛ درایتی، مصطفی، مجله آینه پژوهش، سال ۶۹، شماره ۱، ص ۴۳؛ نراقی، احمد، خزائن، ص ۶؛ دکتر حائری، عبدالهادی، نخستین رویارویی اندیشه‌گران ایران، ج ۳، ص ۳۳۲؛ نراقی، احمد، الايام، بدون ذکر صفحه؛ ابوالحسنی، علی، تراز سیاست، ص ۶۸.

بسیاری از کتب دیگر نیز این تاریخ را ثبت و ضبط کرده‌اند که در این مختصر مجال نیست تا همه ذکر شود. ملا حبیب الله شریف کاشانی تصریح می‌کند که دست‌خط نراقی را در مورد تاریخ تولدش دیده که سال

دروس مقدمات و صرف و نحو را در کاشان تحصیل نموده، سپس فقه، اصول، حکمت، کلام و فلسفه را نزد پدرش مرحوم محقق نراقی آموزش دید. دروس منطقی، ریاضی، نجوم، علوم معقول و منقول و سایر علوم غریبه را در محضر استادان فن آموخت و با توجه به ذهن سرشار در یادگیری مسائل، به سرعت پله‌های نردبان ترقی و تکامل را یکی پس از دیگری پیمود.

ایشان در اوایل عمر به دریات علوم و دانش‌های بی‌شماری دست یازید، به طوری که «معالم» و «مطول» را تدریس می‌نمود. طلاب را جمع و با آنها به مباحث علمی و مناظرات اصولی می‌پرداخت.

ملا احمد تحت تعلیم و تربیت پدر به بالندگی و شکوفایی رسید. او با بهره‌مندی از دانش و تفکر پدر - که خود دانشمندی نو جو، فیلسوف و فقیهی وارسته و از درخشان‌ترین چهره‌های علم و دانش و اجتهاد در نیمه دوم قرن سیزدهم بود - قله‌های اندیشه و معرفت را با فتح و با درک محضر عالمان بزرگ نجف و کربلا بر کمالات خویش

۱۱۸۵ قمری بوده است (کاشانی، ملا حبیب، لباب الالقاب، ص ۹۶؛ نراقی، احمد، معراج السعاده، ص ۱۶).  
 ب) دانشمندان و علمایی که در کتب خود تاریخ تولد وی را ۱۱۸۶ ه.ق نوشته‌اند: نهرانی، شیخ آقا بزرگ، الذریعه، ج ۲، ص ۶۲؛ مصنفی المقال، ص ۷۱.

ج) عده‌ای از مورخان و علما، تاریخ تولد ایشان را بین سال‌های ۱۱۸۵ و ۱۱۸۶ قمری بر شمرده‌اند. از جمله: امین، سید محسن، اعیان الشیعه، ج ۱۰، ص ۱۸۳؛ انصاری، مرتضی، زندگانی و شخصیت شیخ انصاری، ص ۹۵.

بحث دیگری مربوط به نام پدر ملا احمد ملا مهدی نراقی نیز مطرح است که عده‌ای از علما آن را ملا مهدی و برخی ملا محمد مهدی ذکر کرده‌اند. ولی مشهور و معروف این است که ملا احمد فرزند ملا مهدی است. چون خود ملا احمد در بعضی از کتبش، از پدر به نام مهدی نام می‌برد.

الف) کتب و علمایی که احمد بن مهدی ثبت نموده‌اند: تنکابنی، سلیمان، تذکره العلماء، ص ۵۳؛ محدث نوری، فوائد الرضویه، ص ۴۱؛ مدرس تبریزی، محمد علی، ریحانة الادب، ج ۶، ص ۱۶۰؛ امین، سید محسن، اعیان الشیعه، ج ۱۰، ص ۱۸۳؛ نراقی، احمد، مستند الشیعه، ج ۱، ص ۱۱۴؛ انصاری، مرتضی، زندگانی و شخصیت شیخ انصاری، ص ۹۵.

ب) کتب و اشخاصی که نام پدر او را محمد مهدی ضبط کرده‌اند: کشمیری، محمد علی، نجوم السماء، ص ۳۴۳؛ سلیمانی آرائی، سلیمان کاشان، ص ۱۵۵؛ ایضاح المکنون، ج ۱، ص ۳۳۱.

برای رفع ابهام، جملاتی از استاد علامه حسن زاده آملی در زیر بیان می‌شود. وی می‌گوید:  
 «در آغاز، چند کتاب از مصنفات آن جناب را دیده‌ام، خود را مهدی بن ابی‌ذر نراقی نام برده است، ولی فعل جلیل او مرحوم ملا احمد نراقی صاحب مستندالشیعه او را محمد مهدی نام برده است، چنان‌که در اول خزائن، عوائد الایام، سیف الامه و معراج السعاده و... چنین است. لکن در ابتدای مستندالشیعه چاپ سنگی چنین آمده است: «و بعد یقول المحتاج الی عنو ربه الباقی، احمد بن محمد بن مهدی بن ابی‌ذر النراقی» که به یقین این دوم از سهو قلم ناسخ است». نراقی، ملا مهدی، انیس الوجدین - مقدمه علامه حسن زاده، بی‌جا؛ انتشارات الزهراء، ص ۱۴ - ۱۳.

افزود و در مدت کوتاهی موفق به گرفتن درجه اجتهاد از استادان مشهور خود گردید. وی چند صباحی را نزد پدر و دیگر استادان، تلمذ نمود و بقیه عمر را با هوش فوق‌العاده خود به تحقیق و تدبّر در علوم و منابع علم پرداخت و توانست بعد از مدت اندک در علوم معقول، منقول و حتی علوم غریبه صاحب نظر و مجتهد شود. وی مرجعیت عام و ریاست علمی در عصر خویش را عهده‌دار بوده و محل مراجعات توده مردم برای حل مشکلات و مصائب زندگی آنان به شمار می‌رفت.

### مهاجرت به عتبات عالیات

ملا احمد نراقی برای تکمیل دروس عالی راهی حوزه علمیه نجف اشرف - که در هزاره اول قمری از مهم‌ترین و پررونق‌ترین حوزه‌های علمیه محسوب می‌شد - گردید و از محاضر درس استادانی همانند کاشف الغطاء، و میرزا مهدی شهرستانی در نجف و کربلا بهره جست. او با کسب درجه اجتهاد و اجازه نقل احادیث از استادان خود، عازم وطن خود شهر کاشان گردید.

در مهاجرت وی به شهرهای مقدس کربلا و نجف تردید کرده‌اند و بنا بر نقل بعضی از مورخان، دو تاریخ برای هجرت ایشان بیان کرده‌اند که ذیلاً به تشریح آن می‌پردازیم:

۱. وی در سال ۱۲۰۵ قمری نخستین بار در معیت پدرش به عتبات عالیات مسافرت نمود که مورد اجماع است.

۲. او در سال ۱۲۱۰ قمری دومین بار به عتبات عالیات مهاجرت نمود که مورد اختلاف است.

البته در ذکر تاریخ مهاجرت دوم ایشان تردید نموده و بعضی آن را ۱۲۱۲ نقل کرده‌اند:

هجرت اول: ایشان در سال ۱۲۰۵ قمری برای تکمیل دروس خویش در معیت پدر، به عتبات عالیات مهاجرت نمود و در کربلا در اواخر عمر علامه وحید بهبهانی (متوفی ۱۲۰۸) در درس او شرکت کرد و سپس به حلقه درس فقیه بزرگ میرزا مهدی شهرستانی (متوفی ۱۲۱۶) پیوست. هم‌چنین در نجف اشرف از محضر درس سید مهدی بحر العلوم (متوفی ۱۲۱۲ ق) و شیخ جعفر نجفی معروف به کاشف الغطاء (متوفی ۱۲۲۸ ق) کسب فیض نمود.<sup>۱</sup>

۱. نراقی، احمد، عوائد الایام (قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۵) ص ۳۶.

هجرت دوم: در سال ۱۲۰۹ قمری به این علت که پدرش ملا مهدی نراقی دار فانی را وداع گفت، به کاشان مراجعت نمود و در آنجا کرسی تدریس و آموزش طلاب علوم دینی را آغاز کرد.<sup>۱</sup>

او در سال ۱۲۱۰ - طبق نقل قول مشهور مورخان - به عتبات عالیات عراق عزیمت نمود اما طبق نقل خود وی در خزائن برای زیارت بیت الله الحرام و نه برای تحصیل علوم دینی به آنجا مشرف شد.

کیهان اندیشه می نویسد:

ملا احمد نراقی در آخرین دورهٔ درس وحید بهبهانی شرکت کرده و سپس از محضر «میرزا مهدی شهرستانی» و «سید مهدی بحر العلوم» استفاده نمود و پس از طی این مراحل تحصیل به نراق کاشان بازگشت و بعد از درگذشت پدرش مرجع تقلید آن سامان گردید.

همچنین می نویسد:

در سال ۱۲۱۲ ه.ق. در حالی که ملا احمد جوانی ۲۷ ساله بود و به عنوان مجتهدی فاضل شناخته می شد، به کاشان برگشت و به تدریس پرداخت. در هوش و استعداد خارق العادهٔ وی همین بس که گویند کتاب عین الاصول را در سن بیست و سه سالگی تألیف کرد و رسالهٔ حجیه المظنه را نیز در سنین جوانی به رشتهٔ تحریر درآورده است.<sup>۲</sup>

در ژرفای علمی ملا احمد همین بس که شیخ مرتضی انصاری (متوفی ۱۲۸۱) قریب به چهار سال از دریای بیکران علم و دانش و فضل او بهره گرفت.

### دیدگاه‌های نه چندان معتبر و شاذ دربارهٔ تاریخ سفر علمی نراقی

معروف و مشهور است که مرحوم نراقی دو بار در سال‌های ۱۲۰۵ و ۱۲۱۰ قمری به منظور تکمیل علوم عالی، یک بار در معیت پدر، و بار دیگر با شاگردان و هم‌سلکان خویش عازم نجف و کربلا شد. اما فقط در چند کتاب ذیل سفر دوم او را در سال ۱۲۱۲ قمری ثبت کرده‌اند که طبق قراین موجود به نظر صحیح نمی‌رسد:

۱. نویسنده کتاب مکارم الاثار می‌گوید: «در سال ۱۲۰۵ به همراه پدرش به عتبات مقدسه هجرت کرد و در درس علامه وحید بهبهانی حضور یافت و بار دیگر رفت و در

۱. همان.

۲. کیهان اندیشه، شماره ۵۴، آذر و دی ۱۳۷۱، ص ۴۳.

۱۲۱۲ ه.ق. به عراق رفت؛ و مدت کمی در نجف نزد سید بحر العلوم و شیخ جعفر کاشف الغطاء و در کربلا نزد میرزا مهدی شهرستانی و سید علی کربلایی به تحصیل پرداخت.<sup>۱</sup>

۲. سید محمد امین در اعیان الشیعه می‌نویسد: «ثم تشرف بزیارتهم ایضاً فی سنه ۱۲۱۲ ه.ق.»<sup>۲</sup>

۳. صاحب روضات الجنات نیز همین تاریخ را بیان می‌کند و می‌نویسد: «از کتاب خزائن ظاهر می‌شود که وی در سال جلوس فتحعلی شاه به تخت سلطنت (یعنی ۱۲۱۲ ق / ۱۱۷۶ ش) به زیارت ائمه (ع) عراق مشرف شدند.»<sup>۳</sup>

### دلایل و شواهد عدم صحت تاریخ ۱۲۱۲ برای سفر دوم ملا احمد به عتبات عالیات

اولاً: ایشان در این سال به عتبات عالیات سفر نکرده و یا اگر سفری داشته برای کسب علم و دانش نبوده است؛ زیرا در سال ۱۲۱۲ قمری سید بحر العلوم رحلت کرد. ثانیاً: خود ملا احمد نراقی در چندین جای کتاب خزائن تاریخ مهاجرت‌های خویش را به عتبات عالیات مرقوم فرموده است.

الف) در خزائن چنین می‌نگارد: «در سنه ۱۲۱۰ که حقیر به عزم زیارت بیت الله الحرام وارد بغداد شدم، چند یومی در بقعه متبرکه کاظمین (ع) به جهت اجتماع توقف اتفاق افتاد در شب جمعه در روضه مبارکه امامین هادین بودم، با جمعی از اعیان و همسفران.»<sup>۴</sup>

ب) در جای دیگر خزائن این چنین می‌نویسد: «حاج الحرمین الشریفین حاج جواد صباغ که از معتبرترین تجار وثقه و معتمد بود و در «سر من رأی» سرکار تعمیر روضه متبرکه عسکریین در سرداب مقدس بود از جانب جعفر قلیخان خوبی در سنه ۱۲۱۰ ه.ق. که حقیر به عزم زیارت بیت الله الحرام به آن حدود مشرف شده، به زیارت «سر من رأی» رفتم.»<sup>۵</sup>

بر اساس جملات مرحوم نراقی در خزائن و سایر شواهد و قراین موجود استنباط

۱. معلم حبیب آبادی، میرزا محمد علی، مکارم الآثار، ج ۴ (اصفهان: اداره کل فرهنگ و هنر، بی تا) ص ۱۲۳۵.

۲. امین، سید محسن، اعیان الشیعه (بی جا، بی تا) ج ۱۳، ص ۱۸۴.

۳. خوانساری، محمد باقر، الروضات الجنات (بی جا، بی تا) ج ۱، ص ۹۷.

۴. نراقی، ملا احمد، الخزائن (تهران: کتابفروشی علمیه اسلامی، بی تا) ص ۲۹۲.

۵. همان، ص ۳۹۲.

می شود که وی در دو زمان در سال های ۱۲۰۵ و ۱۲۱۰ عازم عتبات عالیات شد و بعد از وفات پدرش، فرصتی برای مراجعت به عراق برای تحصیل در محضر علمای نجف و کربلا میسر نشد؛ لذا در کاشان مشغول تدریس و اداره امور مردم و رفع حوائج آنان گردید.

### ارتباط ملا احمد نراقی و شیخ اعظم انصاری (ره)

در سال ۱۲۴۰ ه.ق، شیخ مرتضی انصاری (متوفی ۱۲۸۱) به قصد زیارت حرم امام رضا (ع) در مشهد و یک سیر و سفر علمی و سیاحتی برای درک محضر علمای اعلام و فقهای مشهور عصر خویش، از شهرهای مختلف ایران عبور کردند. از جمله در اصفهان به حضور سید محمد باقر شفتی و در بروجرد به خدمت شیخ اسدالله بروجردی رسید، ولی بیش از یک ماهی توقف ننمود.<sup>۱</sup> زمانی که شیخ انصاری آوازه ملا احمد نراقی را در کاشان شنید، به همراهی برادرش به سوی کاشان شتافت که مورد استقبال و احترام ملا احمد قرار گرفتند و در یکی از مدارس آن رحل اقامت افکندند. وقتی که شیخ انصاری چهره ملا احمد را بر بلندای مدرسه علمیه کاشان مشاهده نمود و او را همانند دریایی از علم و حکمت و عرفان و اخلاق یافت، تصمیم بر ماندن گرفت. گویی شیخ گمشده خود را دریافته بود و لذا قریب به چهار سال از محضر علمی و اخلاقی او بهره جست و در حلقه درس او از سال ۱۲۴۱ ه.ق تا سال ۱۲۴۴ ه.ق قرار گرفت.<sup>۲</sup>

شیخ انصاری در این مدت روشی نو در فقه و اصول بنیان نهاد و اصول را با شیوه جدید منسجم تدوین نمود، به گونه ای که از آن وقت تا کنون کتاب های رسائل و مکاسب شیخ انصاری محور درس های حوزه های علمیه و فقه جمفری است. در مدت این چهار سال استاد و شاگرد با هم عجین شدند و جاذبه ای متقابل، آن دو را به سوی هم دیگر می کشید. استعداد و نبوغ ذاتی و علمی شیخ از یک سو، و علم بیکران مرحوم نراقی از سوی دیگر، این دو را به هم پیوندی جاودانه داد تا جایی که نراقی پس از حرکت شیخ از کاشان در وصف او چنین نوشت: «در کلیه مسافرت هایم بیش از پنجاه مجتهد مسلم را

۱. موسوی، سید کاظم، «زندگی و نقش فقهی ملا احمد» مجله نشر دانش، سال چهارم، شماره ۳، ۱۳۶۳، ص ۴.

۲. همان، ص ۱۱۰.

دیده‌ام، اما هیچ کدام چون شیخ انصاری عظمتی این گونه نداشته‌اند.<sup>۱</sup> مرحوم نراقی که شیخ انصاری را مجتهدی مسلم یافته بود، هنگام هجرت از کاشان، اجازه‌نامه مسوطی به وی داد و شیخ را به بهترین عبارات و زبیده‌ترین جملات ستود و گفت «استفاده‌ای که من از این جوان نمودم بیش از استفاده‌هایی بود که او از من برد».<sup>۲</sup> ملا احمد نراقی هنگام حرکت شیخ انصاری از کاشان در مقدمه اجازه‌نامه روایی که به او می‌دهد، وی را چنین توصیف می‌نماید:

چهره‌ای برجسته، محققى دقیق، با ذهنی نورانی و فهمی صائب و درکی عالی، این مظهر تقوا و ورع، مستمسک به عروة الوثقی، فاضل کامل، حاوی مکارم و مناقب، شیخ مرتضی فرزند شیخ محمد امین انصاری، بعد از تفحص در احوال و مقام علمی‌اش، بدو اجازه دادم نقل روایات را...<sup>۳</sup>

## بخش دوم

### مشایخ اجازات، استادان، تلامیذ و فرزندان ملا احمد

#### ۱. مشایخ اجازات نراقی (ره)

قبل از شمارش اسامی صاحبان اجازات روایی او، چه بسا توجه به نکته زیر خالی از فایده نباشد.

معمولاً ایشان از استادان و مشایخ اجازات خود در کتب متعدد ویا رسالات فقهی و اصولی‌اش، دو گونه نام می‌برد و آنان را به دو نحو توصیف کرده، می‌ستاید: الف) گاهی از مشایخ اجازات خود به «اساتید» تعبیر می‌نمایند. ب) زمانی از آن‌ها به «مشایخ و یا شیخنا» نام می‌برد. البته شایان نگرش است که استادان وی بعضاً مشایخ اجازه او نیز بوده‌اند: ۱. پدرش محقق نراقی (مهدی) متوفی ۱۲۰۹ قمری. ملا احمد از پدرش به «استاد» تعبیر می‌نماید.<sup>۴</sup>

۲. علامه سید محمد مهدی بحرالعلوم متوفی ۱۲۱۲ قمری. ملا احمد در کتاب‌های

۱. انصاری، مرتضی، زندگانی و شخصیت شیخ انصاری (قم: دبیرخانه کنگره شیخ اعظم انصاری، ۱۳۷۲) ص ۵۰-۷۰.  
 ۲. عقیقی بخشایشی، عبدالرحیم، فقه‌های نامداری شیعه (قم: بی‌تا) ص ۳۳۷.  
 ۳. پسندیده، محمود، «مروری بر شرح و حال شیخ انصاری» مجله مشکوة، شماره ۴۲، بهار ۱۳۷۳، ص ۱۱۰.  
 ۴. معلم حبیب‌آبادی، میرزا محمد علی، مکارم الآثار، ج ۴، ص ۱۲۳۶؛ مدرس تبریزی، میرزا محمد علی، ریحانة الادب (تهران: خیام، ۱۳۵۲) ج ۶، ص ۱۳۶۲؛ نراقی، ملا احمد، معراج السعاده، مقدمه، محمد نقدی (چاپ دوم، قم: انتشارات هجرت، ۱۳۷۴) ص ۴۱؛ نراقی، ملا احمد، مستند الشیعه، مقدمه محمد نقدی (مشهد: موسسه آل البیت الاحیاء التراث، ۱۴۱۵) ج ۱، ص ۱۱۵؛ خوانساری، محمدباقر، الروضات الجنات، ج ۱، ص ۹۷.

منابع الاصول والاحکام، عوائد الایام و مستند الشیعه از سید بحر العلوم به «سیدنا الاستاذ» یا «بعض سادة مشایخنا» تعبیر می‌کند.<sup>۱</sup>

۳. شیخ محمد جعفر نجفی مشهور به کاشف الغطاء متوفی ۱۲۲۸ قمری.<sup>۲</sup>  
مرحوم نراقی از او تعبیر به «شیخ مشایخ عصره» می‌نماید. در کتاب خزائن مرحوم نراقی چنین می‌نویسد: «شیخ جلیل شیخ جعفر نجفی که از مشایخ اجازه این حقیر است...»<sup>۳</sup>.

۴. میرزا مهدی موسوی شهرستانی، متوفای ۱۲۱۶ قمری.<sup>۴</sup>  
۵. آقا سید علی طباطبایی کربلایی | صاحب ریاض که خواهر زاده محقق بهبهانی نیز می‌باشد | متوفای ۱۲۳۱ قمری.<sup>۵</sup> ملا احمد از وی به عنوان «بعض مشایخنا» و یا «بعض مشایخنا المعاصرین» نام می‌برد.

همان گونه که قبلاً نیز اشاره شد، اکثر مشایخ اجازات مرحوم نراقی، از جمله استادان وی نیز هستند؛ از جمله پدرش، علامه بحر العلوم، شیخ جعفر نجفی و میرزا محمد مهدی شهرستانی. مرحوم نراقی به واسطه پدرش از شیخ یوسف بحرانی، از ملا محمد رفیع گیلانی، از محمد باقر مجلسی روایت می‌نماید.<sup>۶</sup>

صورت اجازات مرحوم نراقی متجاوز از بیست مورد است که به خط مؤلف یا صاحبان اجازات نزد فاضل معاصر جناب آقای حسن نراقی یکی از احفاد و نوادگان مرحوم نراقی، موجود است.<sup>۷</sup>

۱. منابع فوق؛ تنکابنی، محمد بن سلیمان، تذکرة العلماء (مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۷۲) ص ۵۳؛ نراقی، حسن، تاریخ کاشان، بی‌جا، بی‌تا، ص ۲۸۲؛ روضات الجنات خوانساری، ج ۱، ص ۹۵؛ قمی، حاج شیخ عباس، فوائد الرضویه...، بی‌جا، بی‌تا، ص ۴۱.

۲. منابع فوق؛ مدرس تبریزی، محمد علی، ریحانة الادب، ج ۶، ص ۱۶۰؛ جابلقی، سید محمد شفیع، الروضة البهیة، بی‌جا، بی‌تا، ص ۱۷.

۳. خوانساری، محمد باقر، الروضات الجنات، ص ۲۷؛ مدرس تبریزی، محمد علی، ریحانة الادب، ج ۴، ص ۱۸۴؛ نوری، محمد علی، مستدرک الوسائل، ج ۳، بی‌جا، بی‌تا، ص ۲۸۳؛ امین، سید محسن، اعیان الشیعه، ج ۱۳، ص ۱۸۴؛ معلم حبیب‌آبادی، میرزا محمد علی، مکارم الآثار، ج ۴، ص ۱۲۳۵؛ کشمیری، محمد علی، نجوم السماء (قم: مکتب بصیرتی، بی‌تا) ص ۳۴۴.

۴. سلمانی آرنای، حبیب الله، دیدار با ابرار: سیمای کاشان (قم: انتشارات بشر، ۱۳۷۵) ص ۱۵۵؛ تنکابنی، میرزا محمد، قصص العلماء، ص ۱۲۹ - ۱۳۲؛ نراقی، ملا احمد، معراج السعاده. ص ۲۲؛ نراقی، ملا احمد، عوائد الایام، مقدمه علی اوسط ناطقی، ص ۴۱.

۵. مدرس تبریزی، محمد علی، ریحانة الادب، ج ۶، ص ۱۶۲؛ خوانساری، محمد باقر، الروضات الجنات، ج ۱، ص ۹۹؛ نراقی، ملا احمد، معراج السعاده، مقدمه محمد نقدی ص ۲۲.

۶. همان، ص ۲۲؛ نراقی، ملا احمد، عوائد الایام، ص ۱۴ - ۱۵.



## ۲. استادان ملا احمد نراقی

۱. پدرش ملا مهدی بن ابی ذر نراقی (م ۱۲۰۰ق).<sup>۱</sup>
  ۲. علامه سید محمد مهدی بحرالعلوم (م ۱۲۱۳ق).<sup>۲</sup>
  ۳. شیخ جعفر نجفی معروف به کاشف الغطاء (م ۱۲۲۸ق).<sup>۳</sup>
  ۴. علامه وحید بهبهانی.<sup>۴</sup>
  ۵. میرزا محمد مهدی شهرستانی.<sup>۵</sup>
  ۶. آقا سید علی طباطبایی کربلایی صاحب ریاض و خواهرزاده محقق اردبیلی.<sup>۶</sup>
  ۷. حاج محمد شفیع بروجردی (ره).<sup>۷</sup>
- صاحب کتاب مکارم الآثار در این زمینه چنین می‌نگارد:

در سال ۱۲۰۵ به همراهی پدرش به عتبات مقدسه هجرت کرد و در درس علامه وحید بهبهانی حضور یافت و بار دیگر به عراق رفت. در ۱۲۱۲ و مدت کمی در نجف نزد سید بحرالعلوم و شیخ جعفر نجفی و در کربلا نزد میرزا مهدی شهرستانی و سید علی کربلایی به تحصیل پرداخت.<sup>۸</sup>

کیهان اندیشه هم در این باره چنین می‌نویسد:

او در سال ۱۲۰۵ قمری در معیت پدرش به عتبات عالیات مسافرت کرد و در اواخر عمر وحید بهبهانی (متوفای ۱۲۰۸) در درس او شرکت کرد، سپس در کربلا به حلقه درس فقیه بزرگ میرزا مهدی شهرستانی (م ۱۲۱۶) پیوست، ولی این مدتی دیری نپایید که در سال ۱۲۰۹ به علت وفات پدرش به کاشان

۱. کشمیری، محمد علی، نجوم السماء، ص ۳۴۴؛ معلم حبیب آبادی، میرزا محمد علی، مکارم الآثار، ج ۴، ص ۱۲۳۶؛ مدرس تبریزی، محمد علی، ریحانة الادب، ج ۶، ص ۱۱۶۲؛ نراقی، احمد، مستند الشیعه، مقدمه، ج ۱، ص ۱۱۵؛ همو، معراج السعاده، ص ۲۱.
۲. تنکابنی، میرزا محمد، قصص العلماء، ص ۱۱۲۹؛ معلم حبیب آبادی، میرزا محمد علی، مکارم الآثار، ج ۴، ص ۱۲۳۶؛ کشمیری، محمد علی، نجوم السماء، ص ۳۴۴؛ جابلقی، سید محمد شفیع، الروضة الیهیة، ص ۱۷.
۳. کاشانی، حبیب الله، لباب الالقب الی الالقب الاطیاب، ص ۹۴؛ انصاری، مرتضی، زندگانی و شخصیت شیخ الانصاری، ص ۱۹۵؛ امین، سید محسن، اعیان الشیعه، ج ۱۳، ص ۱۱۸۴؛ تنکابنی، میرزا محمد، قصص العلماء، ص ۱۲۹؛ الکرام البررة، ص ۱۱۶؛ معلم حبیب آبادی، محمد علی، مکارم الآثار، ج ۴، ص ۱۲۳۶.
۴. امین، سید محسن، اعیان الشیعه، ج ۱۳، ص ۱۱۸۴؛ تنکابنی، میرزا محمد، قصص العلماء، ص ۱۱۲۹؛ معلم حبیب آبادی، مکارم الآثار، ج ۴، ص ۱۲۳۶؛ مدرسی، محمد علی، ریحانة الادب، ج ۶، ص ۱۶۰.
۵. منابع فوق.
۶. منابع فوق؛ سلمانی آرنی، حبیب الله، دیدار با ابرار: سیمای کاشان، ص ۱۵۵.
۷. تنکابنی، میرزا محمد، قصص العلماء، ص ۱۲۹-۱۳۲.
۸. معلم حبیب آبادی، محمد علی، مکارم الآثار، ج ۴، ص ۱۲۳۶.

بازگشت، سال بعد به نجف اشرف مشرف شد و از محضر اساتیدی هم چون سید مهدی بحرالعلوم (م ۱۲۱۲) و شیخ جعفر نجفی معروف به کاشف الغطا (۱۲۲۸) بهره‌ها برد.<sup>۱</sup>

صاحب الروضة البهیه نیز در این مورد می‌نویسد:

ملا احمد در مجلس درس استاد کل آقا باقر بهبهانی همراه والد خود می‌رفت و نزد جماعتی دیگر از علمای اعلام و در اواخر عمر از خدمت بحرالعلوم آقا سید مهدی درس می‌گرفت.<sup>۲</sup>

در مقدمه مستند الشیعه چنین آمده است:

در سال ۱۲۰۵ ه. ق، به سوی عراق برای زیارت عتبات عالیات و تکمیل دروس عالی حرکت نمودند. در نجف در درس سید محمد مهدی بحرالعلوم و شیخ جعفر کاشف الغطاء حاضر شدند و بر آموختنی‌های خود افزودند، سپس به قصد کربلا برای استفاده از اساتید آن‌جا راهی شدند. در محضر درس علی طباطبایی صاحب ریاض و سید مهدی شهرستانی و بنابر محکی در نجوم السماء از روضة البهیه در درس استاد کل مرحوم وحید بهبهانی نیز شرکت جستند.<sup>۳</sup>

جناب آقای حقیقت (رفیع) هم می‌نویسد:

پدرش حاج محمد مهدی نراقی و شیخ جعفر کاشف الغطاء، سید بحرالعلوم و آقا سید علی طباطبایی استادان او هستند. شیخ مرتضی انصاری، سید محمد شفیع جابلقی و بسیاری از عالمان مذهبی شیعه در اواخر دوره قاجاریه از شاگردان او محسوب می‌شدند.<sup>۴</sup>

### ۳. تلامیذ و شاگردان

محقق نراقی از علمای بزرگ زمان خویش محسوب می‌شد و در آموزش علوم دینی نهایت سعی خویش را به کار گرفت و کوشید که داده‌ها و یافته‌های خود را به دیگران منتقل کند؛ لذا در تربیت و تعلیم عده‌ای بسیار از فقها و فضلاهی عصر خویش کوشید و آنان را به مراتب کمال و فضل و علم و دانش رساند.

۱. معلم حبیب آبادی، کیهان اندیشه، شماره ۴۵، آذر و دی ۱۳۷۱، ص ۴۳.

۲. کشمیری، محمد علی، نجوم السماء فی تراجمه العلماء، ص ۳۴۴.

۳. نراقی، ملا احمد، مستند الشیعه، ج ۱، ص ۱۵.

۴. حقیقت (رفیع) عبدالرفیع، تاریخ نهضت‌های فکری ایرانیان در دوره قاجار (تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان ایران، ۱۳۶۸) بخش سوم، ص ۱۴۲۵.

عده‌ای از شاگردان بزرگ ایشان عبارت‌اند از:

۱. حاج شیخ مرتضی انصاری:<sup>۱</sup> متوفای ۱۲۸۱ قمری که ۴ سال از ۱۲۴۱ تا ۱۲۴۴ قمری از محضر ملا احمد نراقی بهره برد و در هنگام هجرت نیز اجازه‌نامه مبسوطی که در آن محقق نراقی او را با جملات بسیار بلندی ستوده، از وی دریافت کرد.
۲. سید محمد شفیع جابلقی (بروجردی):<sup>۲</sup> متوفای ۱۲۸۰ قمری. او از استاد خود، محقق نراقی به «استاد شیخ» تعبیر می‌کند و او را چنین می‌ستاید: «او از افاضل و محققان دقیق و متبحر بود».<sup>۳</sup>
۳. محمد علی آرنی کاشانی.<sup>۴</sup>
۴. ملا محمد حسن جاسبی. وی شعری در رثای استادش مرحوم نراقی سروده است.<sup>۵</sup>
۵. برادر بزرگوارش، ملا مهدی نراقی<sup>۶</sup> متوفای ۱۲۸۶ قمری ملقب به آقا بزرگ. او به نام پدرش نام‌گذاری شده است؛ چون در سال وفات ملا مهدی، در سال ۱۲۰۹ قمری متولد شد.
۶. برادر دیگر او، میرزا ابوالقاسم نراقی<sup>۷</sup> متوفای ۱۲۵۶ قمری.

۷. محمد باقر هزار جریبی.<sup>۸</sup>
۸. فرزند فقیه و عارف ایشان، محمد نراقی<sup>۹</sup> متوفای ۱۲۹۷ قمری ملقب به «عبدالصاحب» و معروف به «حجة الاسلام». وی صاحب کتاب انوار التوحید در کلام، المرصاد در اصول و مشارق الاحکام در فقه است. او از پدرش اجازه‌نامه دارد و تولیت مدرسه سلطانی را که فتح‌علی شاه در شهر کاشان ساخته بود، به عهده گرفت.

۱. خوانساری، محمد باقر، الروضات الجنات، ج ۳، ص ۳۷؛ مدرس تبریزی، محمد علی، ریحانة الادب، ج ۴، ص ۱۱۸۴؛ کاشانی، حبیب الله، لباب الالقباب الی الالقباب الاطیاب، ص ۹۴؛ نوری، مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۸۳؛ نراقی، احمد، معراج السعادة، مقدمه نقدی ص ۱۲۲؛ نراقی، احمد، الخزان، ص ۵.

۲. منابع فوق؛ مدرس تبریزی، محمد علی، ریحانة الادب، ج ۶، ص ۱۶۳.

۳. جابلقی، سید محمد شفیع، الروضیة البهیة فی الاجازات الشفیعیة، ص ۱۶.

۴. نراقی، احمد، معراج السعادة، مقدمه نقدی، ص ۳۲؛ نراقی، احمد، خزان، مقدمه غفاری، ص ۴؛ مدرس تبریزی، محمد علی، ریحانة الادب، ج ۶، ص ۱۶۳ و ج ۲، ص ۵۵۵ و ج ۴، ص ۱۲۲۰؛ نراقی، احمد، مستند الشیعة، مقدمه، ج ۱، ص ۱۶.

۵. معلم حبیب آبادی، محمد علی، مکارم الاثار، ج ۲، ص ۳۶۴ و ج ۵، ص ۱۱۵۲۲؛ کاشانی، حبیب الله، لباب الالقباب، ص ۱۰۴؛ نراقی، احمد، الخزان، ص ۵.

۶. نراقی، احمد، معراج السعادة، مقدمه محمد نقدی، ص ۲۲.

۷. همان، ص ۲۲؛ نراقی، احمد، الخزان، مقدمه غفاری، ص ۴.

۹. ملا احمد نطنزی.<sup>۱</sup> وی از شاگردان عالم و با فضل ملا احمد و دامان ایشان نیز بوده است.

میرزا محمد علی معلم حبیب آبادی در این باره می‌گوید: «مرحوم حاج ملا احمد نطنزی از علما و افاضل عصر خویش بوده که در نطنز متولد شد و در کاشان سکونت داشت و دختر استاد خود، ملا احمد نراقی (ره) را به زوجیت اختیار کرد».<sup>۲</sup>

۱۰. میرزای قمی. در این زمینه صاحب مکارم الآثار می‌نویسد: «میرزای قمی در نزد مرحوم ملا احمد نراقی به تحصیل اشتغال ورزید و دیری نپایید که عامل و فقیهی فاضل گردید. بعد به قم رفت و آنجا به ترویج شریعت و قضاوت پرداخت تا در آن شهر وفات یافت و او را در قبرستان شیخان دفن کردند».<sup>۳</sup>

۱۱. میرزا حبیب الله، معروف به میرزا بابا که پدرِ مادرِ ملا حبیب الله صاحب کتاب لباب الالقب است.<sup>۴</sup>

۱۲. حاج سید محمد تقی پشت مشهدی.<sup>۵</sup>

### فرزندان مرحوم ملا احمد نراقی

مشهور مورخان و علمای موثق و منضبط، فرزندان ایشان را ۴ نفر ذکر کرده‌اند؛ شامل:  
۱. ملا محمد نراقی: وی مشهورترین و بزرگ‌ترین فرزند محقق نراقی است که فقیهی مشهور و عالمی معروف بود.

در سال ۱۲۱۵ ه. ق مطابق ۱۱۸۰ شمسی متولد شد. پس از کسب معالم دین و تحصیلات عالی نزد پدر و سایر اساتید معروف زمان خویش به درجه عالی علمی نائل آمد و از پدر اجازه‌نامه دریافت نمود.

ایشان از اعظام و علما و اجلة فقها بود که ملقب به «عبدالصاحب» و مشهور به «حجت الاسلام» بوده و تولیت مدرسه سلطانی را که فتحعلی شاه قاجار در کاشان بنا کرد، عهده‌دار بود و صاحب کتب انوار التوحید، المراصد و مشارق الاحکام می‌باشند.<sup>۶</sup>

وی در بیست و سوم محرم ۱۲۹۰، دنیا را وداع گفتند و در نجف نزد پدر و

۱. معلم حبیب آبادی، محمد علی، مکارم الآثار، ج ۲، ص ۵۵۵.

۲. همان، ج ۳، ص ۷۱۶.

۳. همان، ج ۲، ص ۵۵۶.

۴. همان، ج ۴، ص ۱۲۳۹.

۵. همان، ج ۴، ص ۹۲-۱۶۲.

۶. همان، ج ۲، ص ۵۵۵؛ نراقی، حسن، تاریخ کاشان، ص ۲۸۰؛ مدرس تبریزی، محمد علی، ریحانة الادب، ص

- پدربزرگش مدفون هستند و دختر میرزای قمی را به زوجیت اختیار کرده بودند.<sup>۱</sup>
۲. حاج میرزا نصیر نراقی:  
ایشان نیز عالم، فقیه و جامع علوم شرعیه و ریاضیه بوده و در سال ۱۲۱۹ ه. ق. متولد شد و در نزد صاحب جواهر تحصیل نموده و از او اجازه نامه دریافت کرد و شرح مبسوطی بر شرح لمعه نگاشت و پس از ۵۴ سال عمر شریف و مبارک در سال ۱۲۷۳ وفات نمودند.<sup>۲</sup>

۱. ملا محمد جواد نراقی ۱۲۷۸		محمد مهدی نراقی ۱۲۰۹ ه. ق.	
۱. میرزا ابوالقاسم - میرزا مجدالدین	۲. میرزا نصیرالدین نراقی ۱۲۷۳		۱. ملا احمد نراقی ۱۲۴۵ ه. ق.
۲. میرزا صدرالدین - شیخ جعفر الهی	۳. ملا محمد نراقی ۱۲۹۰		۲. ملا ابوالحسن
۳. میرزا فخرالدین ۱۳۲۵ -		۳. ملا اباذر	
میرزا شهاب الدین ۱۳۴۹ و			
میرزا جلال الدین ۱۳۴۸			
۱. میرزا ابوالقاسم ۱۳۴۱			
۲. میرزا حسن ۱۳۲۸	۴. میرزا ابوالقاسم ۱۲۵۶ - میرزا محمد صادق ۱۳۰۴		
۱. آقا علی شهید عراقی			
۲. احمد مدیر عراقی	۱. میرزا ابوالقاسم	۵. ملا مهدی نراقی	
۳. مهدی عراقی	۲. میرزا احمد		
۴. محمد عراقی	۳. ملا محمد علی ۱۲۸۵		
۵. ابوالقاسم عراقی	۲. میرزا اسدالله ۱۲۹۸		
۶. حسن نراقی			
احسان نراقی			

۱. دیدار با ابرار ملامهدی نراقی، عبدالرحیم آبادری، ص ۹۶

منابع و مأخذ

۲. تاریخ اجتماعی کاشان، حسن نراقی، ص ۲۸۷

۱. معلم حبیب آبادی، محمد علی، مکرم الآثار، ج ۲، ص ۵۵۵؛ کاشانی، حبیب الله، لباب الاقطاب، ص ۱۱۰۴؛ منابع شماره ۴۷ و هدیه الانام، ص ۳۹.
۲. معلم حبیب آبادی، محمد علی، مکرم الآثار، ج ۳، ص ۳۹؛ کاشانی، حبیب الله، لباب الاقطاب، ص ۱۱۰۳؛ قمی، عباس، فوائد الرضویه فی احوال علماء المذهب الجعفریه، بی جا، بی تا، ص ۵۰.

۳. ملا محمد جواد نراقی از فقها و علمای عصر خویش در کاشان بودند که در سال ۱۲۲۲ ه. ق متولد شد و در نزد پدر بزرگوارش و بعضی دیگر از اساتید فن، درس خواندند و به درجه سامیه در علم و عمل نائل آمدند... پس از مدت ۵۶ سال عمر با برکت، در سال ۱۲۷۸ ه. ق رو به عالم آخرت آورد.<sup>۱</sup>
۴. فرزند چهارم ملا احمد، دختری بود که به ازداوج ملا احمد نطنزی یکی از شاگردان فقیهش درآمد. طبق نقل مکارم الآثار وی شاعره بود.<sup>۲</sup>
۵. شجرنامه اعلام و مشاهیر خاندان نراقی با تاریخ درگذشت بعضی از آنها: سال تاریخ درگذشت آنها هجری قمری است.

### بخش سوم

#### القاب و تألیفات مرحوم نراقی

##### ۱. القاب ملاحمد نراقی

القاب و عناوین ایشان در کتاب‌های مختلف و استادان متعدد به شرح زیر می‌باشد: نام او احمد و ملقب به «فاضل نراقی» بود. در شعر و ادبیات فارسی به «صفایی» تخلص می‌کرد.

الف) سید محمد شفیع جابلقی از شاگردان مبرز ایشان در الروضة البهية وی را این چنین وصف می‌کند:

«ملا احمد از فاضل و محققان دقیق و متبحر بودند» و از او به «استاد» یاد می‌نماید.<sup>۳</sup>

ب) صاحب طرائف المقال از او به لقب «فاضل دقیق معاصر» نام می‌برد.<sup>۴</sup>

ج) صاحب وسیلة النجاة، مرحوم علامه مامقانی از او به «فاضل محقق» یاد می‌کند.<sup>۵</sup>

د) مرحوم مراغی از او به لقب «فاضل محقق یا فاضل معاصر» نام می‌برد.<sup>۶</sup>

۱. معلم حبیب آبادی، محمد علی، مکارم الآثار، ج ۶، ص ۲۲۱۰ و ج ۴، ص ۱۱۲۳۹ کاشانی، حبیب الله، لباب القاب، ص ۱۰۳.

۲. معلم حبیب آبادی، محمد علی، مکارم الآثار، ج ۳، ص ۷۱۳ و ج ۱، ص ۱۷۶ نراقی، احمد، مستند الشیعه، ج ۲۱، ص ۱۶. ۳. جابلقی، سید محمد شفیع، الروضة البهية فی الاجازات الشفیعه، ص ۱۶.

۴. طرائف المقال، ج ۳، ص ۵۳ و ص ۳۶۹.

۵. مامقانی، وسیلة النجاة، ج ۳، ص ۱۰۷.

۶. مراغی، عناوین الاصول، ص ۹۳، ص ۱۰۵ و ۳۱۳.

ه) اصحاب جواهر از ملا مهدی و ملا احمد به «فاضل نراقیان» تعبیر می‌نمایند.<sup>۱</sup>  
 و) علامه طباطبائی صاحب تفسیر ممتاز المیزان از ملا مهدی و ملا احمد به «نراقیان» یاد می‌کند.<sup>۲</sup>

## ۲. تصنیفات و تألیفات ملا احمد نراقی

ملا احمد نراقی علاوه بر تسلط در علوم متداول معقول و منقول و فقه و حدیث، تبحری خاص در فن شعر و شاعری، ذوق ادبی، فنون هندسی، رصد نجومی و سایر علوم غریبه داشت. از ابتکارات و شاخصه‌های درجات علمی ایشان این است که در اکثر موضوعات فقهی، اصولی، ریاضی، نجومی، شعر و شاعری و تألیفات منحصر به فرد و گاه بی نظیرند لذا ما در این مختصر برآنیم تا کتب، تألیفات و رسالات ایشان را در این پژوهش به پژوهندگان معرفی کنیم.

شایان توجه است که قبل از شمارش کتب و رسالات ایشان، توجه خوانندگان را به عبارتی از علامه حسن حسن‌زاده آملی در زمینه تألیفات ایشان و نحوه تصنیف آن‌ها جلب نمایم. علامه حسن‌زاده در مقدمه‌ای که بر انیس الموحیدین ملا مهدی نراقی نگاشته‌اند، چنین می‌فرمایند:

عمده تحصیلات فاضل نراقی، یعنی ملا احمد در نزد پدرش ملا مهدی نراقی بوده‌است. و برخی تألیفات ملا احمد به مضمون «الولد سراپیه» به اقتضای پدرش ملا مهدی نراقی است. مثلاً پدر در فقه «معتمد» می‌نویسد و پسر «هستند»، پدر «تجرید الاصول» در علم اصول می‌نویسد و پسر شرح مبسوطی بر آن در هفت مجلد می‌نویسد، پدر علم اخلاق «جامع السعادات» به عربی می‌نویسد، و پسر «معراج السعاده» ترجمه آن به فارسی یا بعضی اضافات (زیادات) پدر دیوان اشعار به نام «طایر قدسی» دارد و پسر به نام «طاق‌دیس»، پدر «مشکلات العلوم» می‌نویسد و پسر «خزائن» و آن را تابع «مشکلات» قرار داده است. به بیانی که در اول خزائن ذکر کرده است این دو کتاب «مشکلات و خزائن» هر یک چون کَشکول علامه شیخ بهایی، سفینه‌ای حامل منقولات از مطالب متنوعه و امتعه ممتعه در هر باب‌اند. «مشکلات» امتن از «خزائن» و «خزائن» املح از آن است.<sup>۳</sup>

۱. نجفی، محمد حسین، جواهر الکلام، ج ۶، ص ۳۰۲.

۲. نراقی، مهدی، انیس الواحیدین، بی‌جا (انتشارات الزهراء ۱۳۶۳) مقدمه علامه حسن‌زاده، ص ۱۴.

۳. همان، ص ۱۵.

تالیفات و تصنیفات و رسالات متعددی از ملا احمد نراقی به یادگار مانده است که بعضی از آن‌ها بارها با چاپ مجدد در اختیار علاقه‌مندان به علم و دانش قرار گرفته است. ایشان تالیفات و آثار بسیاری نگاشته‌اند که بر اساس دست‌خط ملا احمد - که حسن نراقی، یکی از نوادگان ایشان آن‌ها را در مقدمه کتاب طاق‌دیس، آورده است - به ۱۸ جلد تا سال ۱۲۲۸ قمری شمرده‌اند.

اما با استقرایی که در کتب متعدد رجالی و علمی علمای بزرگ و مورخان شهیر از جمله آقا بزرگ تهرانی در الذریعه، محمد علی مدرسی در ریحانة الادب، میرزا محمد علی معلم حبیب‌آبادی در مکارم الآثار، علامه محمد باقر موسوی خوانساری در روضات الجنات و سید محسن امین در اعیان الشیعه انجام کلیه مصنفات و رسالات و سایر آثار ایشان بالغ بر ۳۵ اثر در موضوعات گوناگون در قالب ۴۹ مجلد بررسی شده است که در ذیل با شرح مختصری ارائه می‌گردند.

تذکار: پژوهنده برای تسهیل در دسترسی به اسامی و موضوعات این کتب و تالیفات، آنان را در موضوعات مربوط تقسیم‌بندی کرده است:

## الف) اصول

۱. عین الاصول
۲. تشیح الاصول فی شرح تجرید الاصول ۷ جلد (متن از پدر و شرح از پسر می‌باشد که مشتمل بر کلیه مسائل اصولی است. ۷ جلد است و در سال ۱۲۲۲ قمری پایان پذیرفت).
۳. مناہج الاحکام یا مناہج الاصول ۲ جلد، در سال ۱۲۲۴ قمری تمام شد.
۴. مفتاح الاحکام فی اصول الفقه که در ۱۲۲۸ قمری خاتمه یافت (لیاب الالقاب، ملا حبیب‌الله کاشانی، ص ۹۵) مشتمل بر سه بخش است: الف) ادله احکام، ب) مقدمات استخراج احکام، ج) راهکارهای تعارض احکام.
۵. مفتاح الاصول (به نقل از مقدمه معراج السعاده، ص ۲۴).
۶. رساله فی الاجتماع الامر والنهی. (ظاهراً ایشان قائل به عدم اجتماع بود. در این رساله، از زاویه اصولی به این نتیجه می‌رسد که امکان پیدایش چنین تناقضی وجود ندارد (الذریعه شیخ آقا بزرگ تهرانی، ج ۱، ص ۱۲ و ۵۷ و مقدمه معراج السعاده، ص ۲۳).

## ب) فقه و قواعد فقهی:

۱. مستند الشیعه فی احکام الشریعه، ۷ جلد، نخستین کتاب فقهی است که در سال ۱۲۳۴



قمری آن را به نگارش درآورد. کتابی است استدلالی و یک فقه کبیر مبسوطی است در ۷ جلد که ملا احمد آن را ده سال قبل از وفاتش به اتمام رسانده است.

۲. عوائد الایام من امهات ادلة الاحکام.

۳. هدایة الشیعه.

۴. مناسک حج: فارسی است و در اسرار و حکمت باطنی و آداب ادعیه و زیارات است و ۱۲۳۱ نوشته شد (مقدمه معراج السعادة، ص ۲۵ بر اساس دست خط ملا احمد است. لباب الالقب کاشانی، ص ۹۵).

۵. اسرار الحج (در ۱۳۳۱ چاپ شد. مقدمه معراج السعادة، ص ۲۳).

۶. تذکره الاحباب - رساله عملی فارسی است (لباب الالقب کاشانی، ص ۱۹۵؛ تاریخ کاشانی، ص ۲۸۲؛ مکارم الآثار میرزا محمد علی حبیب آبادی، ج ۴، ص ۱۲۳۶؛ مقدمه عوائد، ص ۱۴۱۵ و مقدمه معراج ص ۲۵).

۷. اساس الاحکام فی تنقیح عمد المسائل الاصول بالاحکام (شرح شرایع الاسلام محقق حللی است. ۱۲۷۷ ه. ق تألیف شد. تاریخ کاشان، ص ۲۸۳؛ لباب الالقب کاشانی، ص ۹۵؛ دیدار با ابرار: مهدی نراقی، ص ۹۱).

### ج) اخلاق و عقاید:

۱. معراج السعادة، ۲. وسیله النجاة، ۲ جلد، ۳. سیف الامة وبرهان الملة، ۴. جامع المواعظ (لباب الالقب کاشانی، ص ۱۹۵؛ تاریخ کاشان ۲۸۲؛ مکارم الآثار حبیب آبادی، ج ۴، ص ۱۲۳۶ و مقدمه معراج السعادة، ص ۲۵ و مقدمه خزاین ص ۱۵).

### د) شعر و ادبیات فارسی:

۱. مثنوی مشهور طالقندیس.

۲. دیوان غزلیات نراقی (گردآورنده خانم اختر نراقی).

۳. منظومه فارسی دیگری به نام چهار صفر (مقدمه مستند الشیعه، ج ۱، ص ۲۲).

۴. دیوان شعر کبیر فارسی دیوان صفایی (روضات الجنات علامه خوانساری، ج ۱، ص ۹۶؛ الذریعه شیخ آقا بزرگ ص ۶۱۲؛ ریحانة الادب، ج ۶، ص ۱۶۱).

۵. الخزائن: کشکولی است از تاریخ، تفسیر، نجوم، هندسه، جبر، شعر، حکایات، تمثیلات و مطایبات و چیستان ها که به زبان فارسی و عربی به رشته تحریر درآمده است.

**ه) علوم غریبه و ریاضیات:**

۱. شرح محصل الهيئة (شرح از پسر و متن از پدر).
۲. شرح رساله‌ای در حساب (مقدمه مستند الشیعه، ص ۲۲ و مقدمه معراج السعاده، ص ۲۴).
۳. حاشیه بر «اکرناو ذوسیوس».

**و) رسالات و متفرقات:**

۱. رساله الاجازات، شامل اجازات مشایخ ملا احمد و همین طور اجازاتی است که او به شاگردان خود داده است که ظاهراً مشتمل بر بیست اجازه‌نامه است که نزد آقای حسن نراقی، از احفاد ایشان، موجود است.
۲. رساله فی منجزات المریض (مقدمه معراج السعاده، ص ۲۴).
۳. شرح حدیث جسد المیت و انه لا تبلى الاطینة، (الذریعه آقا بزرگ، ج ۱۳؛ ص ۱۹۵ و ۶۷۹، مقدمه معراج السعاده، ص ۲۴ و مقدمه عوائد؛ ص ۱۴).
۴. القضاء والشهادات (الذریعه آقا بزرگ، ج ۱۷، ص ۱۴۰ و ۷۳۲، مقدمه معراج السعاده، محمد نقدی، ص ۲۴؛ مقدمه عوائد، ص ۱۴).
۵. کتاب فی التفسیر (اعیان الشیعه سید محسن امین، ج ۱۰، ص ۱۸۴؛ مقدمه معراج السعاده، ص ۲۵؛ مقدمه عوائد، ص ۱۴).
۶. مشکلات العلوم. ظاهراً این کتاب غیر از کتاب مشکلات العلوم پدرش است (الذریعه آقا بزرگ، ج ۲۱، ص ۶۶؛ اعیان الشیعه سید محسن امین، ج ۱۳، ص ۱۸۴؛ الروضات الجنات علامه خوانساری، ج ۱، ص ۹۵؛ مقدمه عوائد، ص ۱۴؛ مقدمه معراج السعاده، ص ۲۴).
۷. الرسالة العلمیه (الذریعه شیخ آقا بزرگ، ج ۱۱، ص ۲۱۲؛ الکرام البررة، ص ۱۱۷؛ اعیان الشیعه، سید محسن امین، ج ۱۳، ص ۱۸۴ و مقدمه معراج السعاده، ص ۲۳).
۸. الأطعمه والأشربة (اعیان الشیعه سید محسن امین، ج ۱۰، ص ۱۸۴؛ مقدمه معراج السعاده، ص ۲۵).
۹. الرسائل والمسائل (مقدمه عوائد، ص ۱۴؛ مقدمه معراج السعاده، ص ۲۵. این کتاب پاسخ به سؤالاتی است که در عصر ایشان مطرح بوده است).
۱۰. خلافة المسائل، (رساله‌ای عملیه در ابواب طهارت و صلاة است که در سال ۱۲۲۷ نوشته شد مقدمه عوائد ص ۱۴؛ مقدمه معراج السعاده، ص ۲۵).

۱. مدرسی، محمد علی، ریحانة الادب، ج ۶، ص ۱۶۰۳؛ کاشانی، ملا حبیب الله، لباب الالقاب، ص ۹۵؛ معلم حبیب‌آبادی، مکارم الآثار، ج ۴، ۱۲۳۶؛ نراقی، حسن، تاریخ کاشان، ص ۲۸۲؛ ابانری، عبدالرحیم، دیدار با ابرار:

لازم است درباره بعضی از کتب و تصانیف ایشان به اختصار توضیحاتی ارائه شود:

### عوائد الایام

موضوع عوائد الایام، در فقه و قواعد فقهی است که در ۸۸ عانده مطرح شده است. این کتاب از جایگاه والا و ارزشمندی برخوردار است؛ چه این که نظریات و اندیشه‌های نوگرایانه و تفکرات جدید و متناسب با زمان را در این کتاب مطرح می‌نماید. مرحوم نراقی با روشی جدید این کتاب را سامان داده و تنسیق و آن را به شکل عانده دسته‌بندی کرده است.

بسیاری از تفکرات نوجویانه و مترقی نراقی را می‌توان در این کتاب یافت و به عظمت و ژرفای علمی مؤلف آن پی برد. او از سویی سعی داشت تا ضمن بیان مباحث فقهی و اصولی، طرحی نو در جهت‌گیری به سوی واقعیات زندگی و حتی مسائل سیاسی و حکومتی دراندازد، و از سوی دیگر پژوهش در مباحث لغو و زاید را - که جز اتلاف عمر نتیجه‌ای بر آن مترتب نیست - با زبان دل‌نشین شعر و در قالب جملات ادبی با کمال جسارت به تمسخر گیرد و به گونه‌ای مسالمت‌آمیز با شکلی طنزآمیز بر آن بتازد. نمونه این سخن منوی طاق‌دیس است که بیانگر دل‌درمند و فکر آزرده او از واقعیات سیاسی - اجتماعی و کشاندن وی به تدوین فقهی پویا و متحرک در عصر خویش می‌باشد.

### امتیازات عوائد الایام

۱. مشتمل بر آخرین یافته‌های فقهی و بیان افکار جدید.
۲. دربرگیرنده موضوعات مبتکرانه که در تألیفات سابق یافت نمی‌شوند.
۳. نوآوری در طرح و بیان مسائل ارائه شکل جدید استنباط احکام فرعی مورد نیاز فقیهان.
۴. استدراج مباحث مورد نیاز نسل‌های پسین و پیشین و مطابق با عناصر زمان و مکان در اعصار مختلف.

مهدی نراقی، ص ۹۱، تهرانی، شیخ آقا بزرگ، الذریعه، ج ۱۷، ص ۱۲۰ و ج ۱۱، ص ۲۱۲، ج ۱۳، ص ۱۹۵ و ۱۶۷۹ خوانساری، محمد باقر، الوضات الجنات، ج ۱، ص ۱۹۵، امین، سید محسن، اعیان الشیعه، ج ۱۰، ص ۱۱۸۴ نراقی، احمد، معراج السعاده، ص ۲۳، عوائد الایام، ص ۱۱۴؛ موسوی، سید کاظم، نشر دانش، سال ۷۴، شماره ۳، ص ۴.

آن‌گونه که ملا احمد در مقدمهٔ این کتاب می‌آورد، آن را برای تجدید حافظه و تبیین خاطرات به منظور یادداشت یافته‌های خود. در طی زمان عمرش نگاشته است و لذا به همین دلیل آن را عوائد الایام نام گذارده است. آنچه پیداست این است که این کتاب را به تفاریق و در طول سالیان دراز تحقیق و تدریس نگاشته است (اگرچه در اجازه‌ای برای برادر همنام پدرش، مهدی نراقی در سال ۱۲۲۸ از این کتاب نیز نام برده است). در این کتاب برای نخستین بار، نظریهٔ ولایت فقیه را به صورت سیستماتیک و مفصل و مستقل در ضمن یک «عائده» جداگانه مطرح می‌کند و با بر شماری نوزده روایت حدود و اختیارات و وظایف حاکم اسلامی در زمان غیبت امام عصر (عج) را استنباط و استخراج می‌نماید.

### معراج السعاده

در بین کتب اخلاقی- تربیتی نامی آشنا دارد که سالیان درازی است که در حوزه‌های علمیه و دیگر محافل علمی- مذهبی، تدریس و مورد استقبال دانش‌دوستان و تربیت‌یافتگان این مکتب قرار گرفته است. معراج السعاده در واقع ترجمهٔ فارسی جامع السعادات مرحوم ملا مهدی نراقی است که به درخواست فتحعلی شاه پادشاه قاجار انجام گرفته است. البته اصلاحات و زیادت‌هایی نیز بر آن افزوده و در سال ۱۲۲۶ نگاشته است.

### سیف الامة و برهان الملة

این کتاب به فارسی و خط خود مرحوم ملا احمد نراقی تدوین گردید. سیف الامة، در اثبات خاتمیت دین اسلام و ارائهٔ براهین عقل و نقلی نوشته شده است. این کتاب در پاسخ به دفع شبهات و تشکیکاتی است که یک مبلغ مسیحی انگلیسی به نام «هنری مارتین» که به ظاهر به دین اسلام گرویده بود و در ایران به «پادری»<sup>۱</sup> معروف شد، و خود را یوسف نام نهاد مطرح شده است. پادری توانست با لباس مبدل روحانی چند سالی را در محضر درس ملا علی نوری متوفای ۱۲۲۰ قمری شرکت نماید و بعد از مدتی که اصول کلی و مختصری از معارف اسلام را فرا گرفت شبهات و تشکیکاتی بر آن وارد ساخت. مؤلف قصص العلماء، معاصر مرحوم نراقی، در این باره چنین می‌گوید: «ملا

احمد برای تدوین سیف الامه ده نفر از علمای یهود را نزد خود طلبید و از کتابخانه ملا موشه یهودی کتب بسیاری در لغت توریه و غیر آن جمع کرده و مدتی با یهود گفت و گو داشت.<sup>۱</sup>

ملا احمد نراقی ده تن از شاخام‌های کاشان را دعوت کرد و به پایمردی آنان تعدادی از عبارات عهد عتیق و آثار مذهب یهود را به فارسی برگرداند و نام رساله را سیف الامه گذاشت و ضمن آن دعاوی «مارتین» را رد کرد.<sup>۲</sup>

مارتین که تقاضای جواب نموده بود، با پاسخ متقن و مستدل مرحوم نراقی مرحوم نراقی مواجه شد و عقب‌نشینی نمود. لذا این پاسخ‌ها و دلایل دیگر برای اثبات احکام اسلام جمع‌آوری و به نام سیف الامه و برهان‌الملة نام‌گذاری شد و در سال ۱۲۳۳ قمری به اتمام رسید. سیف الامه از بهترین و کم‌نظیرترین کتبی است که در این زمینه نگارش یافته است.

### وسيلة النجاة

این کتاب در دو جلد بزرگ و کوچک تدوین شد که هم به زبان فارسی و هم عربی است.<sup>۳</sup> فتحعلی شاه قاجار چون می‌خواست در مسائل دینی و فروع احکام از حج ملا احمد نراقی پیروی کند، از او تقاضای نگارش رساله‌ای مخصوص برای خودش را کرد که جامع افراد و مانع اغیار و حائز حدود و ظایف شرعی شخص سلطان باشد. لذا مرحوم نراقی در اجابت درخواست شاه صاحبقران، کتاب وسیلة النجاة را در دو جلد تألیف نمود که در مقدمه جلد اول آن چنین می‌گوید: «مجلد اول در مسائل طهارت و نماز و روزه و زکات و خمس و حج و جهاد، و چون این کتاب مستطاب حسب الاشارة لازم الیشاره اعلی حضرت... المجاهد فی سبیل الله، خدیو دین‌دار، شهریار معدلت آثار، السلطان فتحعلی شاه قاجار... سمت تألیف پذیرفت. امید که ثواب آن به روزگار فرخنده آثار همایونش عاید گردد».<sup>۴</sup> این کتاب در سال ۱۲۲۵ پایان یافت.

### عین الاصول

نخستین کتابی است که ملا احمد در ۲۳ سالگی به زبان عربی به رشته تحریر درآورد.

۱. تنکابنی، میرزا محمد، قصص العلماء، ص ۱۲۹.

۲. آنگار، پرفسور حامد، نقش روحانیت پیشرو در جنبش مشروطیت، ترجمه دکتر سری (تهران: انتشارات توس).

۳. موسوی، سید کاظم، نشر دانش، سال ۷۴، شماره ۳، ص ۴.

۴. نراقی، احمد، وسیلة النجاة، نسخه خطی، ص ۱ و ۲ به نقل از منوی طاق‌دیس، ص ۱۵.

این نوشتار گرایش او را به دانش، مخصوصاً علم اصول، نشان می‌دهد. موضوع این کتاب در زمینه مسائل اصولی و کاربرد راهکارهای اصول الفقه در استنباط احکام فقهی فرعی است و مرحوم تراقی آن را در سال ۱۲۰۸ قمری تألیف نمود.

### حاشیه «اُکر تاووسیوس»

کتاب، «اُکر» تصنیف، «تاووسیوس» یکی از حکما و ریاضی دانان یونانی است که ملا احمد تراقی بر آن حاشیه زده است.

### مثنوی طاقدیس

این کتاب را به تبعیت از پدرش که دیوان شعر «طایرقدسی» دارد، نگاشت و نام دیوان شعر خویش را که با زبان فارسی لطیف و جذاب سروده است، طاقدیس نهاد. وی در اشعارش به «صفایی» تخلص کرده است. گویند که طاقدیس نام تخت پرآوازه و نفیس خسرو پرویز پادشاه ساسانی ایرانی بود که ملا احمد آن را بر مثنوی منظومه خود نهاده است.

مثنوی طاقدیس بر اساس سبک نگارش طرز اسلوب فنی، صنایع ادبی و سجع و قافیه، مثنوی ملای رومی سروده شده است و دارای مضامین سیاسی-اجتماعی و حاوی حکایات و تمثیلات بسیار جالب و جذابی می‌باشد در پی، چند قطعه از اشعار ایشان را می‌نگاریم:

پس از عهد پیری جوانی کنم	بده باده تا شادمانی کنم
کنم فکر تعمیر جان خراب	بگیرم ز سر عیش عهد شباب
کنم دور از دل غم و درد را	به می سرخ سازم رخ زرد را
به میخانه دین را گذارم گرو	خرد را کنم الوداعی زنو
به عقل و خرد پشت و پایی زتم <sup>۱</sup>	جنون کهن را صدایی زتم

درجایی دیگر چنین می‌سراید:

عمریست که اندر طلب دوست دویدیم

هم مدرسه هم صومعه هم می‌کده دیدیم

بسا هیچ کس از دوست ندیدیم نشانی

از هیچ کس هم خبر او نشنیدیم

هر ترکه که آمد همه بر سینه شکستیم  
 هر تیغ که آمد هم بر خرق خریدیم  
 جام ارچه هم زهر بلا بود گرفتیم  
 می ارچه هم خون جگر بود چشیدیم  
 هر لوح که در مکتب ما جمله بشستیم  
 هر صفحه که در مدرس ما بود جمله دریدیم  
 هر نقش به جز نقش وی از سینه ستردیم  
 هر مهر به جز مهر وی از دل ببریدیم  
 دیدیم جهان وادی ایمن شده هر چیز  
 نخلی و زهر نخل انا الله شنیدیم  
 برای حسن ختام این قسمت یک قطعه دیگر از ایشان نقل می‌کنیم:  
 وی دو بیتی زیر را در پرخاش تلویحی به شیوه‌های نادرست جامعه عصر خویش در  
 لباس ستایش از می و مکیده و طعنه بر خرد صرف و به رهن گذاردن دین در میخانه  
 چنین ابراز می‌نماید:

در میخانه بر رویم گشادند      مگو میخواره‌ای بر من دعا کرد؟  
 صفایی تا مرید می‌کشان شد      عبادت‌های پیشین را قضا کرد  
 در دو بیتی دیگر در اعتراض به عوام الناس، که در گزینش سردمداران خود دقت  
 کافی را نمی‌نمایند و به دستور هر کس گردن می‌نهند، این چنین می‌خروشد:  
 این خمار کهنه ما را به جامی کو علاج      از سبویا خم چه خیزد کاش می‌بودی یمی  
 آدمیزادی که می‌گویند اگر این مردمند      ای خوشا جایی که در آن جا نباشد آدمی

## بخش چهارم

### ابتکار و امتیازات شخصیت ملا احمد نراقی (ره)

بسیاری از محققان و مصنفان فقه، اصول و علوم معقول و منقول، بر این اعتقادند که ملا  
 احمد نراقی در بسیاری از علوم در زمینه‌های مختلف متبحر و متخصص و کارشناس  
 بود. وی استادان کمی دیده و کم‌تر در مقابل آنان زانو زده است و بیشتر دروس و علوم را

توجه به هوش سرشار و استعداد ذاتی و نبوغ فوق‌العاده خویش تحقیق کرده و گذرانده است و سرآمد فقهای عصر خود گردیده است. او در عین حال دارای شخصیتی خارق‌العاده بوده و ابتکارات عظیمی را در حوزه اندیشه و فقهت به یادگار باقی گذارده است که هم‌چنان در پهنه گیتی بر بلندای قله فقه و فقهت پرتوافشانی می‌کند.

۱. طرح منظم نظریه «ولایت فقیه» به شکلی نو، با روشی کلاسیک و کارآمد و به صورت تنسیق یافته و مفصل، که با استدلالهای قوی و ارائه روایات متواتر، آن را مستقل مطرح نموده و توسعه داد.

۲. جمع بین فقه حکومتی و مباحث ولایت فقیه که به صورت مستدل و مفصل بیان کرد. وی می‌کوشید که فقه را روزآمد و کارایی آن را در مسائل حکومتی و پاسخگویی به شبهات و تشکیکات جدید مطرح، و مطابق زمان و مکان خویش ارائه نماید. به همین منظور رساله وسیله النجاة را برای وظایف فتحعلی شاه نگاشت.

هم‌چنین ترجمه جامع السعادات پدرش از عربی به فارسی برای فتحعلی شاه به همین مقصود انجام گرفت.

۳. تدوین و نگارش کتبی که با موضوعات عصر خویش متناسب باشد؛ مثلاً تحریر کتاب عوائد الایام به شکل عائده‌بندی و تبویب، خود نوعی ابتکار است که علمای قبل از ایشان، چنین شیوه‌ای را در نگارش کتب فقهی و اصولی به کار نبرده‌اند.

۴. استقلال بخشیدن به مبحث ولایت در ضمن یک عائده و گسترده مطرح نمودن آن علاوه بر تعلق به امور حسبه و مصروف در موارد زکات و خمس و غیره، بیانگر خلاقیت انحصاری این شخصیت بزرگ فقهی-سیاسی است.

۵. نگارش بعضی از کتب و رسالات خود به زبان شیرین فارسی و سرودن اشعار بسیار لطیف و نغز در زمینه‌های مختلف که حاوی نکات اخلاقی، اجتماعی، سیاسی و عرفانی است.

۶. روی آوری به فراگیری دانش‌های غریبه مانند، طب، هندسه، نجوم، عروض، موسیقی، هیئت و حساب. وی معتقد بود که تحصیل این گونه علوم، بهترین معالجات برای درمان اعوجاج سلاقی و کج‌فهمی‌های سیاسی-اجتماعی است؛ چون این‌ها باعث استقامت و استحکام ذهن می‌شوند.

۷. اشتغال به امور سیاسی-اجتماعی و دینی-فقهی: ملا احمد علاوه بر تدریس در حوزه معارف دینی و تبیین معرفت دینی به فقیهان و فضلالی عصر خویش، می‌کوشد که بر مسائل سیاسی-اجتماعی و مخصوصاً امور حکومت و وظایف سلطان وقت، نظارت



کند. اشتغالات او به امور سیاسی-اجتماعی و توجه ظاهری فتحعلی شاه قاجار به نظریات راه‌گشا و کارآمد او، تلاش وی را در تمایل سلطان برای حل مشکلات و اداره امور معیشتی مردم، افزون می‌نماید و از او عالمی روشنفکر و فقیهی مبتکر و سیاستگذاری منصف می‌سازد که توانایی خرق سنت‌های غلط پیشین و عدم تبعیت ناآگاهانه و مقلدانه از انظار پسین را در وی تقویت و تجدید می‌کند.

آثار کثیر وی، به عنوان کارنامه عملی و علمی درخشان ایشان، در سراسر دوران فقه ما و به خصوص عصر قاجار محسوب می‌شود که گاه با عبارتی فنی و تخصصی و زمانی با بیانی شیرین و دل‌نشین و ساده و پاره‌ای در قالب اشعاری جذاب و استعاره‌های طنزآمیز، مطرح می‌گردد و این بیانگر شیوه زندگانی و شخصیت سیاسی-اجتماعی این فقیه عالی‌مقدار است.

شرح حال و فهرست تصنیفات ملا احمد که از درخشان‌ترین ستاره‌های پرفروغ آسمان فضل و دانش ایران و فقیهان نیمه دوم قرن دوازدهم تا اواسط قرن سیزدهم هجری قمری می‌باشد، در تمامی منابع و مأخذ معتبر رجالی، ادبی و علمی این دو قرن جاری و ساری است.

وی علاوه بر این که فقیهی اسلام شناس بودند، نویسنده‌ای ژرف اندیش و مربی و مؤلف اخلاق، عالم به امور اجتماعی و سیاسی عصر خویش نیز بودند.

نراقی شخصیتی بود که سیاست را با اخلاق آراست و اخلاق را اوضاع سیاسی اجتماعی آمیخت و آن را با شیوه‌ای نو و بیانی جذاب و دل‌نشین، گاه در قالب اشعاری که محصول تراوش‌های فکری‌اش در اوقات تنهایی است و زمانی با بیان جملاتی ساده و صادق که زاینده صفای ضمیر و طهارت روح اوست، به شیفتگان کوی دوست ارزانی می‌بخشید.

نراقی، قهرمان مبارز در جنگ‌های ایران و روس و پهلوان میادین فقه و اصول، نغمه غم‌انگیز آزادی و آزادگی را سر می‌داد و با تدوین رسالات و تراجم کتب و نصایح اخلاقی، حاکمان و زمامداران عصر خویش را بیدار و آنان را به وظایف دینی و میهنی خود متنبه می‌ساخت.

تالیفات مرحوم نراقی -چه در زمان حیات و چه پس از مرگ وی- مورد عنایت، استفاده و مراجعه علما و فقیهان بوده و هست، به گونه‌ای که «گویند فقیه بزرگ شیعه، مرحوم سید کاظم یزدی صاحب کتاب عروة همیشه سه کتاب مهم فقهی در کنارش عزیز

و مورد مراجعه بوده است که یکی از آن‌ها مستند الشیعه مرحوم نراقی می‌باشد.<sup>۱</sup> (ظاهراً دو کتاب دیگر: جواهر الکلام شیخ نجفی و جامع الشتات میرزای قمی بوده‌است.)  
- تاسی ملا احمد به پدرش ملا مهدی در شیوه نگارش کتب خود بر اساس تألیفات پدر و یا شرح آن‌ها به روش «الولد سر آیه»، دوره آورد با خود دارد؛ اولاً متأثر از تفکرات علمی و به خصوص اندیشه‌های سیاسی پدرش - که او نیز از حکمای یونانی اقتباس می‌کرد - بود و آن‌ها را به روشی جدید و گسترده پی می‌گرفت. ثانیاً تصنیفات پدرش را احیا کرد و آن‌ها را به جهان دانش و اندیشه عرضه نمود.

### بخش پنجم

#### ملا احمد نراقی از منظر اندیشمندان و فقیهان و مکانت علمی او

شخصیت علمی، فقهی، اصولی و ادبی ملا احمد نراقی آن قدر بلند است که تنها دست پرورده‌ها، معاصران و هم‌سلکان او قادرند که وی را بستایند و توصیف نمایند. بسیاری از اجلای فقها و اعظام علما در مورد جایگاه علمی و مکانت فقهی ملا احمد اظهار نظر کرده‌اند که مختصری از آن‌ها در ذیل عرضه می‌شود:

- شیخ آقا بزرگ تهرانی درباره او چنین می‌نویسد:

شیخ ملا احمد بن ملا مهدی بن ابی ذر نراقی کاشانی، عالم کبیر و فقیه نامی مصنف جلیل القدر و جامع علوم و از صلحا و ابرا و اختیار بودند؛ بر فقرا عطف و شفیع ضعفا بودند و تلاش زیادی در جهت حل مشکلات مردم و رفع احتیاج آن‌ها می‌نمودند.<sup>۲</sup>

- محدث قمی او را چنین وصف می‌کند:

عالم عابد، فاضل فقیه، شاعر ادیب، چراغ منیر، دریای توفنده، فحول علما، اهل معقول و منقول عالم ربانی و کسی که در شایستگی او همین بس که استاد شیخ انصاری بودند.<sup>۳</sup>

- سید محسن امین چنین می‌نگارد:

و عالم فاضل، جامع اکثر علوم مخصوصاً در اصول و فقه و ریاضیات بود و شاعر بلیغ در فارسی بودند.<sup>۴</sup>

۱. به نقل از استاد سید عبدالعزیز طباطبایی نوه مرحوم سید کاظم یزدی (ره)، و دمقدمه معراج السعاده، ص ۱۷.

۲. تهرانی، شیخ آقا بزرگ، الذریعه، به نقل از: عوائد الایام؛ الکرام البررة، ج ۱، ص ۱۱۶.

۳. قمی، شیخ عباس، فوائد الرضویه، ص ۴۱۰.

۴. امین، سید محسن، اعیان الشیعه، ج ۱۳، ص ۱۸۴.

- مرحوم سعید نفیسی می‌گوید:

یکی از امتیازات بزرگ این مرد در میان معاصرانش این است که در زبان فارسی نویسنده و سراینده بسیار با ذوق و شیرین سخنی بودند و زندگی بسیار ساده و بی‌آلایش داشته و در آزاد منشی یگانه روزگار خوی بوده است.<sup>۱</sup>

- ملا حبیب‌الله کاشانی درباره او می‌گوید:

فاضل حاج احمد نراقی فرزند محقق نراقی بودند و همانند پدرش از مشاهیر علمای اسلام و فقه‌های اعلام بوده، بلکه اعلم، افقه، افضل و اتقن آن‌ها در عصر خودش و مشهورترین آن‌ها در زمان خود بود.<sup>۲</sup>

- دکتر عبدالهادی حائری از او چنین تعریف می‌کند:

مرحوم نراقی نه تنها نمی‌کوشد که شایستگی شاهان یا مجتهدان را برای فرمانداران بر جامعه، اسلامی ثابت کند که قلندروار از شاه یا سلطان سخت تبری می‌جوید و آنچه را با زهد، مدرسه و حتی خرد مورد پسند جامعه‌اش در پیوند است، پیوند می‌زند. از پارسایی به شیوه‌ای که در جامعه‌اش خودنمایی کرده و در دیده او جز ریاحیزی دیگر نبوده، سخت رنج می‌برده است.

وی این اشعار را می‌سراید:

شویم ورق‌های زهد و ریا ز سجاده و سبجه گردهم جدا  
بیا دفتر زهد بر آب ده مرا جرعه‌ای از می‌ناب ده  
که از دست زهد این دل آمد بجان بیا ساقیا، الامان، الامان<sup>۳</sup>

- سید محمد شفیق جابلقی بروجردی که از شاگردان محقق نراقی بود، او را چنین وصف می‌نماید:

فاضل عالم، محقق، مدقق، ماهر، دریای مواج، جامع علوم معقول و منقول، دارای ید طولانی در علوم کثیره، شیخ و استاد ما، حاج ملا احمد نراقی فرزند ملا محمد مهدی نراقی الاصل و کاشانی مسکن بودند. ایشان اساس دین و دنیا و محل رجوع در فتاوا و احکام بودند.<sup>۴</sup>

- علی اوسط ناطقی در مورد مکانیت علمی او چنین می‌نگارد:

لقد تميز الفاضل النراقی بموسوعية المعرفة، وحظی بمكانة عملية واجتماعية

۱. نفیسی، سعید، تاریخ اجتماعی - سیاسی ایران در دوره معاصر (تهران: انتشارات بنیاد، ۱۳۶۴) ج ۲، ص ۱۷۷.

۲. کاشانی، ملا حبیب‌الله، لباب الالقاب، ص ۹۴.

۳. حائری، دکتر عبدالهادی، نخستین رویارویی‌های اندیشه‌گران ایران (تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۷) ص ۳۲۲ - ۳۴۰.

۴. جابلقی، سید محمد شفیق، الروضة البهیة فی الاجازات الشفیعیة، ص ۱۶.

ممتازة، فقد كان جامعاً لاكثر العلوم والفنون فتراه عالماً فى الاصول والفقہ والحديث والرجال والدرايه والرياضيات والنجوم والحكمه والكلام والاخلاق بالاضافة الاكرنه ادبياً شاعراً بليغاً باللغة الفارسيه.<sup>۱</sup>

- برادرش که شاگرد وی هم بوده، درباره او چنین می گوید:

استاد اعلم و شیخ معظم، دریایی متلاطم و بحری موج، کسی که ذکر افتخاراتش عالم را پرکرده است، از فقهای بزرگ و علمای ارزشمند محسوب می شوند.<sup>۲</sup>

- علامه محمد باقر خوانساری در این باره می نویسد:

او دریایی موج، استاد ماهر، استوانه اکابر، ادیبی شاعر و فقیهی برارنده، از بزرگان دین و عظمای مجتهدین به شمار می رفت از دانش پُر و از کودکی صدقی مملو از دَر بود. نراقی مجتهدی جامع بودند و از اکثر علوم، به ویژه اصول، فقه، ریاضی و نجوم بهره کامل و کافی داشت. نراقی مردی بزرگ جثه، متین و با وقار و غیور بود.<sup>۳</sup>

- دکتر علی ابوالحسنی می نویسد:

مرحوم نراقی از فقهای بنام شیعه در عهد فتحعلی شاه قاجار بودند... نراقی کسی است که در جنگ های ایران و روس فتوای جهاد سرداد و همراه «سید مجاهد» رسماً در جبهه شرکت کرد. حتی دیوان مشهور وی، طاقدیس، ناظر به جهاد مزبور بوده و جابه جا از ذکر فداکاریهای مجاهدین مسلمان قفقاز در نبرد با ارتش تزار روس و تحریر ملت ایران به شرکت وسیع در جبهات جنگ با روسیه خالی نیست.<sup>۴</sup>

- حبیب الله سلمانی آرائی در وصف او می گوید:

ملا احمد نراقی فرزند ملا مهدی در کاشان متولد شد و تحصیلات خود را نزد پدر و سید بحر العلوم و صاحب ریاض گذراند، به گونه ای که به معاریف فقها و اعلم علما و افقه و افضل شهرت یافت. نفوذ او بر حکام وقت تا حدی بود که آن ها را تا مرز عزل می رساند.<sup>۵</sup>

- استاد قاضی طباطبایی، درباره او می نویسد:

و از علامه نراقی که در علوم، دریایی بیکران بوده، فرزندی به وجود آمد که در

۱. نراقی، احمد، عوائد الایام، ص ۴۵.

۲. کاشانی، حبیب الله، لباب الالقاب.

۳. خوانساری، محمد باقر، الروضات الجنات، ج ۱، ص ۹۵.

۴. ابوالحسنی، دکتر علی، تراز سیاست (قم: دبیرخانه کنگره شیخ انصاری، ۱۳۷۳) ص ۱۲ و ۱۳.

۵. سلیمانی آرائی، حبیب الله، دیدار با ابرار: سیمای کاشان (قم: انتشارات بشیر، ۱۳۷۵) ص ۱۵۵.

مقام شامخ فقاہت و اجتهاد و شعر و ادب و عظمت علمی در میان فقہای شیعه تا درجہ اعلیٰ بالا رفته است که عبارت است از فقیه و مجتهد اکبر، حاج شیخ ملا احمد نراقی... که شهرت به سزایی دارند.<sup>۱</sup>

- محمد بن سلیمان تنکابنی او را چنین می ستاید:

حاج ملا احمد نراقی فرزند ملا مهدی از سرآمد فضلالی روزگار و مجتهد مسلم اعصار و امصار بوده است. ذکاوت و حدت فطنت او را کسی نداشته و طبع شعر عالی داشته است؛ چون پدرش از اعظام مجتهدین بود. او هنوز تحصیل سواد نکرده بود، شاگردان پدرش او را به مدرسه نشاندهند و مطوّل و معالم را درس می گفت... و جامع علوم بود.<sup>۲</sup>

- مرحوم محمد شریف رازی می نویسد:

از جمله معاریف و مشاهیر دانشمندان و فقہا و علمای اخلاق، مرحوم حاج مهدی و حاج احمد هستند. صیت و صوت و جلالت قدر این پدر و پسر و بیت جلیلشان شهر و اکثر از این است که ما در این کتاب یاد نماییم.<sup>۳</sup>

- میرزا محمد علی کشمیری در این زمینه می گوید:

حاج ملا احمد فرزند ملا مهدی نراقی کاشانی، عالمی عالی مقدار و مجتهدی بلند اعتبار و مرجع اتم در احکام بود.<sup>۴</sup>

- حاج شیخ عباس قمی، او را چنین می ستود:

ملا احمد فرزند ملا مهدی نراقی، عالم عابد، فقیه، شاعر، ادیب سراج و هاج، بحر دریای خروشان، فحل الفحول و افتخار اهل منقول و معقول، عالم ربانی و همان کسی که سزاوار است که در مورد ایشان گفته شود که استاد شیخ انصاری بودند. کتب ارزشمند متعددی نوشته اند.<sup>۵</sup>

- علامه علی اکبر در مورد او می نویسد:

احمد فرزند ملا مهدی نراقی کاشانی، فقیهی از مردم نراق کاشان، جامع اکثر علوم فقه، اصول، ریاضی و نجوم و غیره با جنبه فقاہت نیز شعر می گفت و

۱. نراقی، مهدی، ایس الموحّدین، با مقدمه قاضی طباطبایی (تبریز، شفق، ۱۳۵۱) ص ۴.

۲. تنکابنی، محمد بن سلیمان، تذکرة العلماء، ص ۵۳.

۳. رازی، محمد شریف، گنجینه دانشمندان (قم: ۱۳۵۴)، ج ۶، ص ۲۵۸.

۴. کشمیری، میرزا محمد علی، نجوم السماء فی احوال علماء، ص ۳۴۳.

۵. قمی، شیخ عباس، فوائد الرضویه فی احوال علماء المذاهب الجعفریہ، ص ۴۱.

صفایی تخلص می‌کرد و عظیم الجثه و بطین بود. در شفقت بر رعیت و ضعفای و تحمل کفاف آنان سعی وافر داشت.<sup>۱</sup>

- میرزا محمد علی معلم حبیب آبادی او را چنین ستوده است:

ملا احمد از جمله علما و فقهای شیعه، و فقیهی به غایت بزرگوار و فاضلی نهایت نام‌بردار، بلکه اعلم و افقه و افضل و اشهر علمای عصر خویش بوده، که علاوه بر علوم شرعیه در سایر فنون و فضائل و مراتب ذوق و عرفان بهره‌ای تمام داشته و شعر می‌گفته و تخلص صفایی می‌نموده است.<sup>۲</sup>

- استاد علامه حسن حسن زاده آملی در این باره می‌فرماید:

وقتی در محضر مبارک حضرت استاد علامه طباطبایی صاحب تفسیر المیزان، تشریف داشتیم که از نراقیان سخن به میان آمد، فرمودند: نراقیان - ملا احمد و مهدی - هر دو از علمای بزرگ اسلام و ناشناخته‌اند.<sup>۳</sup>

- سید حسین حسینی در نخبه المقال، چنین نوشته است:

نراقی فرزند مهدی نراقی، عالمی متبحر و ارزشمند، اصولی، فقیه و دارای تصنیفات کثیره بودند.<sup>۴</sup>

- عبدالرفیع حقیقت (رفیع) می‌نویسد:

حاج ملا احمد نراقی متخلص به صفایی از پیشوایان نامی مذهب شیعه و عالمان و عارفان دوره قاجاریه است... تحصیلات او در فقه، اصول، فلسفه و ادبیات است... بسیاری از عالمان مذهبی شیعه در اواخر دوره قاجاریه از شاگردان او محسوب می‌شوند.<sup>۵</sup>

- محمد تقی لسان الملک سپهر، در مورد عظمت علمی و نقش سیاسی ملا احمد

چنین می‌نویسد:

حاج ملا احمد نراقی کاشانی از تمامت علما اثنی عشریه فضیلتش بر زیادت بود، به اتفاق چند نفر دیگر از علما... که او نام برد - از راه برسید... این جمله مجتهدین که انجمن بودند به اتفاق فتوا راندند که هر کس از جهاد با روسیان

۱. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه (تهران: موسسه انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۳)، چاپ اول، دوره جدید، ج ۱،

ص ۱۱۶۵. ۲. معلم حبیب آبادی، میرزا محمد علی، مکارم الاثار، ج ۴، ص ۱۲۳۵.

۳. نراقی، مهدی، انیس الموحدين، با مقدمه علامه حسن زاده، ص ۱۴.

۴. حسینی، سید حسین، نخبه المقال، بی‌جا، بی‌تا، ص ۲۳۳.

۵. حقیقت (رفیع)، محمد الرفیع، تاریخ نهضت‌های فکری ایرانیان در دوره قاجار، ص ۱۶۲۴.

بازنشینند از طاعت یزدان سر برتافته و متابعت شیطان کرده باشد.<sup>۱</sup>

م. جرفادقانی، در کتاب علمای بزرگ شیعه می‌نویسد:

ملا نراقی فرزند حاج ملا مهدی نراقی، شخصیتی جلیل استادی کبیر، نویسنده‌ای خبیر، شاعری ادیب، جامع علوم عقلی و نقلی، معروف به فاضل نراقی یکی از اجلة علمای معروف قرن سیزدهم هجری است.<sup>۲</sup>

- میرزا محمد تنکابنی در وصف او می‌گوید:

حاج ملا احمد فرزند حاج ملا محمد مهدی نراقی کاشانی، از مشاهیر علمای خطه ایران و معاریف علمای بلاد اسلامیمان بود، و در تحقیق گوی سبق ربای میدان همگان، و در تدقیق سرآمد علمای اعیان، ذکاوت ضرب‌المثل دوران، وحدت فطانت او مسلم ابنای زمان و طبعش در شعر عالی مکان، چون، والد ماجدش رحلت نمود، تلامیذ والدش او را به جای پدر نشانندند.<sup>۳</sup>

- میرزا محمد علی مدرسی در مورد او چنین می‌نگارد:

حاج ملا احمد نراقی فرزند ملا مهدی، نراقی الاصل، کاشانی المسکن، از فحول علمای دین و اکابر مجتهدین شیعه است که فقیه، اصولی، محدث رجالی، نجومی، ریاضیدان، معقولی، منقولی، استاد ماهر، شاعر زاهد، متقی، در اوصاف حمیده و اخلاق فاضله طاق و مشهور با مجمع کمالات صوری و معنوی و علاوه بر علوم متداول نقلیه، در بسیاری از علوم دیگر نیز مهارتی به سزا داشت.<sup>۴</sup>

- علامه شهید مرتضی مطهری در کتاب خدمات متقابل اسلام و ایران سیر فلسفه و حکمت را از صدر اسلام تا حیات خویش به صورت بی نظیری طبقه‌بندی و طبقات فلاسفه اسلامی را به ۳۳ طبقه تقسیم می‌کند. او در عداد طبقه بیست و هشتم مرحوم نراقی را از جمله فلاسفه اسلامی و یکی از فیلسوفان مجتهد و جامع الفنون می‌داند و می‌نویسد:

حاج ملا احمد نراقی مانند پدر خود جامع الفنون بود و مانند پدر خود، مفتی، مجتهد و مرجع فتوا بوده است و معقول را از پدر خود فراگرفته است.<sup>۵</sup>

۱. سپهر، محمد تقی، ناسخ التواریخ، ج ۱، ص ۳۵۸.

۲. جرد فادقانی. م. علمای بزرگ شیعه (قم: انتشارات معارف اسلامی، ۱۳۶۴) ص ۲۲۴.

۳. تنکابنی، میرزا محمد، قصص العلماء، ص ۱۲۹، ۱۳۲.

۴. مدرس تبریزی، میرزا محمد علی، ریحانة الادب، ج ۶، ص ۱۶۰ - ۱۶۳.

۵. مطهری، مرتضی، خدمات متقابل اسلام و ایران (قم: انتشارات اسلام - صدرا، ۱۳۶۲).

- مصطفی درایتی او را چنین می‌داند:

ملا احمد فرزند ملا مهدی ابی‌ذر نراقی کاشانی، فقیه متفکر و دانشمند نواندیش و مبتکری است که شجاعت او در طرح مباحث جدید، از او عالمی جاودان و شاخص ساخت. نوشته‌های متنوع این نادرهٔ زمان نشان از گستردگی دامنهٔ فضل و دانش او دارد. فقه، اصول، ریاضیات، اخلاق، شعر و ادب و علوم غریبه، عرصه‌هایی است که نراقی استوار در آن گام نهاده و اسرافراز از آن بیرون آمده است.<sup>۱</sup>

- دکتر عبدالهادی حائری در جای دیگری از مرحوم نراق چنین می‌نویسد:

سخنان ملا احمد نراقی نیز دربارهٔ آموختن علم دنیوی و علم اخروی بسیار در خور نگرش است. می‌دانیم که وی خامه‌ای بس شیوا، و در امور اجتماعی دقت نظری شایستهٔ ستایش داشته و از ناهنجاری‌ها و ناهمواری‌هایی موجود در جامعهٔ ایران روزگار خویش رنج می‌برده است در همین چارچوب است که وی به ویژگی‌های تعلیم و معلم که بیامش بدیدهٔ او پایدار ماندن در نادانی بوده، سخت می‌تازد.<sup>۲</sup>

## تاریخ وفات

ملا احمد نراقی مرد سترگ تاریخ فقاہت، و فقیه بستر قلّهٔ انسانیت، و شیر مرد میادین مبارزه با بیگانگان، که عمری را در خویشتن‌سازی و تخلق به اخلاق الهی و در راه اعتلای «کلمهٔ الله» سپری نمود و بیشتر عمر شریف و با برکت خویش را به تحقیق ژرف‌اندیشی و نگارش در زمینه‌ها و موضوعات گوناگون، اعم از فقه، اصول، رجال، درایه، اخلاق، ریاضی، هندسی، نجوم حساب و دیگر علوم معقول و منقول و علوم غریبه پرداخت، سرانجام بر اثر بیماری «ویا» که در عصر وی درمان‌ناپذیر، مسری و شایع بود و تا شعاع ده فرسخی کاشان را فراگرفته بود، «در اول شب یکشنبه بیست و سوم ربیع الثانی ۱۲۴۵ قمری مطابق با ۱۲۰۸ شمسی و ۱۸۲۹ میلادی، در دیار کاشان به دیدار معبود و معشوق جاودانهٔ ازلی و ابدی خویش شتافت و به ملکوت اعلیٰ پیوست».<sup>۳</sup>

۱. درایتی، مصطفی، آینه پژوهش، سال اول، شماره ۲، مرداد و شهریور، ۱۳۶۹، ص ۴۲.

۲. حائری، دکتر عبدالهادی، نخستین روایتی اندیشه‌گران ایران، ص ۳۶۴.

۳. نهرانی، شیخ آقا بزرگ، الذریعه، ج ۶، ص ۲۷۶، ج ۱۲، ص ۲۸۶، ج ۱۳، ص ۱۸۳، ص ۱۹۵، ص ۲۸۶، ج ۲۱، ص ۲۱.



جنازه او را قبل از دفن به نجف اشرف منتقل، و در جوار قبر حضرت علی (ع)، سمت پشت سر مبارک، در جانب صحن مطهر مرتضوی، کنار تربت پدرش به خاک سپردند.<sup>۱</sup>

ص ۱۴، ۶۶، ۲۲۹، ۳۴۰، ج ۲۵، ص ۸۵، ۱۷۷؛ نفیسی، سعید، تاریخ اجتماعی-سیاسی ایران در دوره معاصر، ج ۲، ص ۷۷؛ کاشانی، ملاحیب الله، لباب فی الاقاب الاطیاب (بی جا، مصطفوی، ۱۳۷۸، ق) ص ۹۵؛ موسوی، سید کاظم، «زندگی و نقش فقهی ملا احمد نراقی»، مجله نشر دانش، سال چهارم، شماره ۳، فروردین و اردیبهشت ۱۳۶۲، ص ۱۷؛ علی لو، نورالدین، دیدار با ابرار: سید بحر العلوم (قم: مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۲) ص ۶۸؛ حقیقت (رفیع) عبدالرفیع، تاریخ نهضت‌های فکری ایرانیان، بخش سوم، ص ۱۲۲۴؛ نوری، محمد حسین، مستدرک الوسائل، بی تا، بی جا، ص ۳۸۴؛ اسماعیل بن محمد بن میر سلیم، الضیاح المکنون، بی جا، بی تا، ج ۳۳۱، ص ۳۳۱؛ نراقی، احمد، الخزائن، ص ۶؛ نراقی، احمد، عوائد الایام، ص ۶۴؛ نراقی، احمد، معراج السعاده، ص ۲۶؛ نراقی، احمد، مستند الشیعه، ج ۱، ص ۱۸؛ خوانساری، محمد باقر، الروضات الجنات (قم: مکتب اسماعیلیان، بی تا) ج ۱، ص ۹۷؛ دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، ج ۱۳، ص ۱۹۸۰۸.

تبصره: در منابع فوق و دیگر کتبی که از علما و مورخان در زمینه سرگذشت دانشمندان منتشر شده است، تاریخ وفات مرحوم نراقی (ملا احمد) را بیست و سوم ربیع الثانی ۱۲۴۵ قمری ثبت کرده‌اند که این قول مشهور علما و مورخان است. اما در بعضی از کتب و تراجم، تاریخ وفات او را سال ۱۲۴۴ قمری دانسته‌اند که صحیح به نظر نمی‌رسد. کتبی که تاریخ وفات او را ۱۲۴۴ ثبت نموده‌اند: مدرسی، محمد علی، ریحانة الادب، ج ۶، ص ۱۶۰؛ قمی، شیخ عباس، فوائد الرضویه فی احوال علماء المذاهب الجعفریه، ص ۴۱؛ دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، ج ۱، ص ۱۱۶۵؛ امین، سید محسن، اعیان الشیعه، ج ۱۳، ص ۱۸۲؛ مطهری، مرتضی، خدمات متقابل ایران و اسلام، به نقل از ریحانة الادب، ج ۶، ص ۱۶۰.

اما به چند دلیل نگارش تاریخ وفات نراقی در سال ۱۲۴۴ قمری و یا مردد بین ۱۲۴۴ و ۱۲۴۵، صحیح نیست:

الف) قول مشهور و معروف علما و دانشمندان تاریخ نگار، این است که ایشان در سال ۱۲۴۵ ه. ق وفات یافته است.

نازه این قول علاوه بر تواتر و تضافر سندی، قرائن دیگر هم دارد.

ب) بر اساس آنچه منقول است، فصل «قضا و شهادت» از کتاب مستند الشیعه را در شب یکشنبه پانزدهم ربیع الاول ۱۲۴۵، اندکی قبل از وفات خود، به پایان برده‌اند؛ می‌فرمایند: «تم کتاب القضا والشهادت فی لیلة الأحد، الخامس عشر من شهر ربیع المولود، سنة ۱۲۴۵ ه. ق.»

ج) اجازه‌نامه شیخ انصاری را در شوال ۱۲۴۴ تقریر نموده‌اند.

د) اجازه‌نامه برادرش را که همنام پدرش است، ملا مهدی نراقی دوم، را در ذیقعدة ۱۲۴۴ ه. ق. نگاشته‌اند.

نتیجه این که تاریخ وفات مرحوم نراقی، بیست و سوم ربیع الثانی ۱۲۴۵ صحیح است.

۱. نفیسی، سعید، تاریخ اجتماعی-سیاسی ایران در دوره معاصر، ج ۲، ص ۷۷؛ علی لو، نورالدین، دیدار با ابرار: سید بحر العلوم، ص ۶۹؛ قمی، شیخ عباس، فوائد الرضویه فی احوال المذاهب الجعفریه، ص ۴۱؛ خوانساری، محمد باقر، الروضات الجنات، به نقل از: مکارم الآثار حبیب آبادی، ج ۴، ص ۱۲۳۹؛ انصاری، مرتضی، زندگانی و شخصیت شیخ انصاری، ص ۱۹۵؛ نراقی، احمد، معراج السعاده، ص ۲۶؛ نراقی، احمد، مستند الشیعه، ص ۱۱۶؛ مدرسی، میرزا محمد علی، ریحانة الادب، ص ۱۶۰؛ ریاض العارفين، ص ۴۶۳؛ به نقل از: ریحانة الادب، ج ۱، ص ۳؛ تنکابنی، محمد، قصص العلماء، ص ۱۰۳؛ به نقل از: ریحانة الادب، ج ۱، ص ۳.